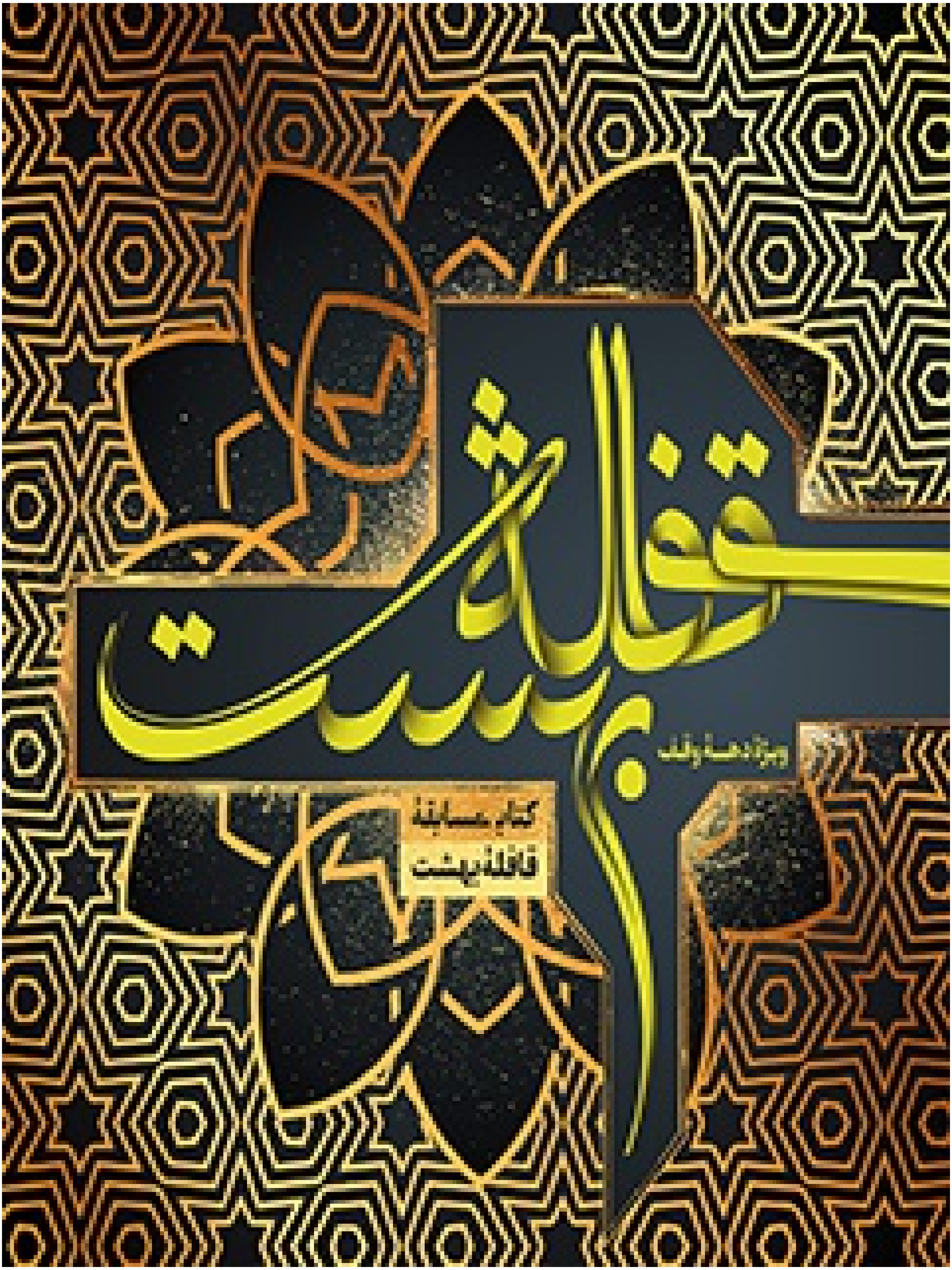

قافله بهشت
کتاب مسابقه
قافله بهشت

بسم الله الرحمن الرحیم

# قافله بهشت

نویسنده:

رضا اخوی

ناشر چاپی:

اسوه - سازمان اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# قافلهٔ بهشت

## مشخصات کتاب

ناشر، تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت

فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

نو یسنده: رضا اخوی

نوبت چاپ: اول/ مهرماه ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان غیرقابل فروش/اهدایی

لیتوگرافی،چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

نشانی مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده سیدعلی (رحمه الله علیه)

مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان اوقاف و امورخیریه

نشانی: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و

امورخیریه، معاونت فرهنگی و اجتماعی

تلفن : ۳۸۱۸۷۱۵۷-۰۲۵

سایت سازمان www. oghaf . ir

سایت معاونت: www. mfso . ir

سایت مجتمع:www. mfpo . ir

ص: ۱

## اشاره

## فهرست

ص: ۴

مسابقه / ۹۳

ص: ۵

## مقدمه

سنت زیبای وقف، دری به سوی بهشت گشوده

است. بسیارند واقفان و خیران نیک اندیشی که با وقف بخشی از مال و ثروت خود، به این قافله نورانی پیوسته اند و جایگاه امن و آسایش بهشت را برای خود تدارک دیده اند.

مانایی و پویایی از زیبایی های سنت حسنه وقف است؛ اینکه هرگز از حرکت بازنمی ایستد و با شیوه ها و قالب هایی کارآمد و متناسب با اقتضائات و نیازهای روز، با صدایی رسا، نیکوکاران را برای ملحق شدن به قافله بهشتیان، دعوت می کند.

این قافله در سیر تاریخی خود، تاکنون خداباوران بسیاری را در بهشت و جاویدان الهی مسکن داده است. پیشاهنگ این قافله، پیامبر (صلّی الله علیه و آله وسلّم )

ائمه هدی(علیهم السّلام) ایستاده اند و چشم به راه واقفانی هستند تا همراه و همسفر به مقصد بهشت برین گردند.

باید این فرصت را قدر دانست و صدای زلال دعوت به جاودانگی و ماندگاری را با گوش دل شنید و تا فرصت هست، به این قافله پیوست.

نوشتار حاضر، نکته هایی است انگیزه بخش برای پیوستن به این قافله؛ به امید آن که کسی جا نماند. به قول صائب تبریزی:

ِکلید گلشن فردوس دستِ احسان است ِ

بهشت می طلبی ، از سرِ دِرَم برخیز

سازمان اوقاف و امور خیریه معاونت فرهنگی و اجتماعی

ص: ۶

## فصل اول: نگارستان وقف

### اشاره

ص: ۷

## نگارستان وقف

انسان در دنیا همانند نگارگری است که با قلم اختیار و اراده، کتاب وجود و زندگی خویش را می نگارد. این قلم می تواند آن قدر زیبا و خواستنی بنگارد که در عالم

آخرت و هنگامی که فصل بازخوانی پرونده ها می رسد، همه را به خواندن آن دعوت کند: « هَاؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيَهْ ؛

(ای اهل محشر!) نامه اعمال مرا بگیرید و بخوانید».(۱)

و البته هستند کسانی که فریادشان بلند می شود و ناراحت و غمگین می گویند: «يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهْ ؛

ای کاش هرگز نامه اعمالم را به من نمی دادند».(۲)

این سخن بدین معناست که انسان در دنیا هرجور نگارگری کند و هرچه را با انتخاب و نیت خوب و بد ترسیم کند، دامنه و دنباله اش تا سرای آخرت کشیده خواهد شد و آثار و پیامدهایش تاجهان دیگر باقی و ماندگار خواهد شد. به فرموده قرآن: « وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ ؛ و آنچه را از

پیش فرستاده اند و تمام آثار آنها را می نویسیم».(۳) یعنی آنچه را پیش فرستاده اند و آثار کارهایشان را در دفتر زندگی آنان ثبت و ضبط می کنیم.

وقف هم یعنی ماندگاری همین آثار زیبا که تا قیامت کشیده می شود؛ آری خیرخواهی و نیت نیک واقفان در گره گشایی از امور مردم و شاد کردن دل های نگران و غمگین، دامنه اش تا همیشه باقی خواهد ماند.

به گفته پروین اعتصامی:

خرّم آن کس که در این محنت گاه

خاطری را سبب تسکین است



---

۱- سوره حاقه، آیه۱۹.

۲- سوره حاقه، آیه۲۵.

۳- سوره یس، آیه ۱۲.

## قلب های مهربان

از خصوصیات انسان های عارف و خداشناس، دوست

داشتن همه انسان ها به خاطر خدا و در راه خداست. چنین شخصی ا گرچه افرادی را نشناسد یا رابطه و آشنایی فامیلی و خویشاوندی با آنها نداشته باشد، قلبش از محبت و عاطفه نسبت به همه آنها موج می زند و چون این علاقه و محبت از سرچشمه جوشان محبت الهی مایه گرفته، هیچ پاداش و سپاسی از دیگران انتظار ندارد.

احسان و نیکی به دیگران از طریق وقف اموال برای کسانی که نمی شناسد و ارتباط خویشاوندی با آنان ندارد؛ نشانه ای از عشق و محبت اهل ایمان نسبت به بندگان پروردگار متعال است که واقفان، از این طریق خوش قلب بودن و عاطفه خویش را به آنان ابراز می کنند و توقع هیچ سپاس و تشکری از آنها ندارند و با تأسی به مولای مهر و عاطفه امیرمؤمنان(علیه السّلام) ذکر لب شان این آیه شریفه است: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ؛ شما را به خاطر خدا اطعام

می کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم!».(۱)

توانگرا ! دل درو یش خود به دست آور

که مخزن زر و گنج درم نخواهد ماند

بر این رواق زبرجد نوشته اند به زر

که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند(۲)

ص: ۹

---

۱- سوره انسان، آیه ۹.

۲- حافظ شیرازی.

## تعلق خاطر

انسان ها علاقه منـدی ها و تعلقاتی دارنـد که در بسـیاری از موارد، دل کندن از آنها سـخت و جانفرسا خواهد بود؛ از علاقه و محبت به زن و فرزند گرفته، تا تعلق خاطری

که به امکانات رفاهی و تجملات دنیایی پیـدا کرده است. قطعاً اصل این محبت چیزی بدی نیست، آنچه شـرایط را سـخت می کند، قفل شدن ذهن و ضمیر انسان و دلبستگی افراطی به آن است که مانعی برای حرکت رو به جلو خواهد بود.

ا گر انسان به این باور برسد که رها کردن خود از تعلقات و دلبستگی ها، باعث اوج گرفتن، آرامش روح و روان

و دیگر دستاوردهای مثبت در زندگی او می شود، برای دل کندن و دست کشیدن رغبت پیدا می کند.

دستوراتی که در آموزه های دینی مبنی بر انفاق و احسان، صدقه دادن، بخشش اموال، قرض دادن و... آمده

است، همگی بهانه هایی است که باعث می شود تعلق خاطر به مال دنیا در انسان تعدیل پیدا کند و در مسیر

درست قرار گیرد.

ص: ۱۰

وقف بخشی از اموال و دارایی ها نیز، فرصتی است برای

دل کنـدن از تعلقـاتی که انسـان را زمین گیر عشق و محبت دنیـا کرده و تمرینی است اختیاری، برای روزی که مجبور است از همه تعلقات و دلبستگی ها جدا گردد.

سنت زیبای وقف به انسان می آموزد که می توان زندگی

کرد، ولی دل نبست و طعم شیرین با خدا بودن را چشید.

قرآن کریم آموزه زیبای دل کندن از تعلقات را چنین ترسیم

می کنـد:«لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَما تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ؛ هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست می دارید، (در راه خدا) انفاق کنید؛ و آنچه انفاق می کنید، خداوند از آن آگاه است».(۱)

به قول حافظ:

ده روز مهر گردون، افسانه است و افسون

نیکی بجای یاران، فرصت شمار یارا!



---

۱- سوره آل عمران، آیه ۹۲.

## اجر ومزد

معمولاً ـ کارهای انسان بر اساس گرفتن اجر و مزد تعریف می شود؛ یعنی در قبال کارهایی که انجام می دهد، منتظر دریافت حق الزحمه و پاداش می شود تا چرخ زندگی اش به گردش درآید، یا لااقل از گردش نیفتد!

به فرموده قرآن کریم، تمام کسانی که اهل انفاق و

احسان و کمک به دیگران هستند، پاداشshan نزد پروردگار

محفوظ است:«وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ؛ آنچه از

عمل خیر انجام می دهند، هرگز بدون پاداش نمی ماند».(۱)

وقف نیز در زمره اموری است که خداوند متعال برای

صاحبان و بانیان آن، اجر و پاداشی مثال زدنی در نظر گرفته است؛ حال ا گر کسی این احسان و انفاق را با نیت خدایی وِ «لِوَجِه الله» انجام دهد، علاوه بر پاداش دنیایی که شهرت، محبوبیت، دعای خیر و... است، پاداش های

آخرتی را نیز نصیب خود می کند. به فرموده قرآن: وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا؛ و [بدانید] آنچه را از کارهای نیک برای خود از پیش می فرستید، نزد خدا به



۱- سوره آل عمران، آیه۱۱۵.

بهترین وجه و بزرگ ترین پاداش خواهید یافت.»(۱) و فرمود: «این پاداش شماست، و

سعی و تلاش شما مورد قدردانی و سپاس

است».(۲)

آنچه در این معامله مهم است این است این که واقف باید با مراقبت از سرمایه اخلاص، بداند که آن کس که باید کار خیر او را ببیند و تأیید کند، دیده و ثبت کرده است؛

به فرموده حضرت علی(علیه السّلام):

« لَا یُزَهِّدَنَّکَ فِي الْمَعْرُوفِ مَنْ لاَ یَشْکُرهُ لَکَ ، فَقَدْ یَشْکُرُکَ عَلَیْهِ مَنْ لاَ یَسْتَمِتِعُ بِشَی ء مِنْهُ ، وَقَدْ تُدْرِکُ مِنْ شُکْرِ الشَّاکِرِ أَکْثَرَ مِمَّا أَ ضَاعَ الْکَافِرُ،وَاللهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ ؛ به علت ناسپاسی افراد، از کار نیک مضایقه نکنیدچرا که (در مقابل) گاه کسی از تو سپاسگزاری می کند که از عمل نیکت هیچ بهره ای نبرده و چه بسا همین شکرگزاری اثرش بیش از ناسپاسی افراد ناسپاس باشد و (برتر از همه این ها این که) خدا نیکوکاران را دوست دارد.»(۳)

ص: ۱۳

---

۱- سوره مزمل، آیه۲۰.
۲- «إِنَّ هَذَا کَانَ لَکُمْ جَزَاءً وَکَانَ سَعْیُکُمْ مَشْکُورًا ». سوره انسان، آیه۲۲.
۳- نهج البلاغه، حکمت ۲۰۴.

**یک تیر و دونشان**

ا گر چه زدن یک تیر در دو هدف امکان ندارد، ولی هر وقت

کسی کاری کند که دو فایده متفاوت داشته باشد، می گویند با یک تیر دو نشان زده است.

با وقف و احسان ماندگار به دیگران، نه فقط یک نشان،

بلکه واقفین و محسنین، چندین نشانه را هدف می گیرند

کسب می کنند؛ دستاوردهایی چون و نتایج شادی آور

گره گشایی از مشکلات دیگران، نشاندن لبخند بر چهره های غمگین، حل معضلات اجتماعی و از همه مهم تر بازماندن پرونده اعمال پس از مرگ و جریان ماندگار نیکوکاری در بستر زمان، در کنار ثمرات و فواید نابی که وقف در خود واقف ایجاد می کند؛ چرا که با وقف، واقف دنیای درون خود را آباد می کند و شکوفه های معنوی را بارور می سازد.

در پرتو وقف، انسان به قلب و دلش فرصت رشد و کمال

می دهد و افق های بیکران را به روی ذهن و ضمیر خود

می گشاید.

با وقف، انسان خیراندیش و نیکوکار، زیبایی، طراوت و

پویایی درون خویش را به نمایش می گذارد و از مفید بودن

خود احساس آرامش و رضایت می کند.

ص: ۱۴

براین باور، احسان به دیگران، در حقیقت احسان و نیکی

در حق خود است. چنانچه قرآن کریم می فرماید: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ؛ ا گر به دیگران احسان کنید، [در حقیقت] به ِ خود احسان کرده اید.»(۱)

صائب تبریزی نیز چنین سروده است:

هر کجا گیری گلی در آب معمار خودی

کار هر کس را دهی انجام، در کار خودی ِ

سرسری مگذر ز ِ تعمیر دل بیچارگان

کار محکم کن که در تعمیر دیوار خودی ِ

هر چه از دل ها کنی تعمیر، پشتیبان توست

سعی در آبادی دل کن چو معمار خودی(۲)

ص: ۱۵

---

۱- سوره اسراء، آیه ۷.

۲- دیوان صائب تبریزی، ج۶، ص۳۲۴۷ . غزل ۶۶۶۸.

## دست در دست خدا

انسانی که بخواهد دست فرد دیگری را بگیرد، یک دست را به جایی محکم کرده و دست دیگرش را به سوی او دراز می کند تا او را از افتادن و سقوط نجات دهد.

نیکوکاران و واقفانی که دست نیازمندان و بندگان خداوند را می گیرند، یک دستشان را با نیت خالص و اهداف عالیه ای که دارند، در دست خدا می گذارند و با دست دیگر، انسان ها را نجات می دهند. وقف یعنی همین حس زیبا و دوست داشتنی؛ دستگیری از نان خورهای خداوند، احسان و یاری رساندن به نیازمندان.

افرادی که توانایی مالی دارند باید این جمله را به خاطر

بسپارند که گاهی خدا می خواهد با دست آنها، دست دیگر بندگانش را بگیرد؛ وقتی دستی را به یاری می گیرند، بدانند که دست دیگرشان در دست خداوند است. پس با نیت و قصد قربت به این کار اقدام کرده، و وقف و احسان خود را به دور از هر ناخالصی انجام دهند که قرآن می فرماید: « إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ؛

خداوند فقط از تقواپیشگان می پذیرد.»(۱)

ص: ۱۶

---

۱- سوره مائده، آیه ۲۷.

## کاه و کوه

«از کاه نبایـد کوه ساخت». اصـلاً چنین چیزی در دنیای واقعی، امکان هم نـدارد، مهم آن است که مفهوم صـحیح آن فهمیـده شود و در مسائلی مانند اختلافات روزمره و

برداشت های سلیقه ای و فرهنگی خانوادگی و نمونه های مشابه، به آن دامن نزد و از امور بی ارزش

و کم اهمیت، کوه مشکلات حل نشدنی به وجود نیاورد.

جالب آنکه در امور معنوی و آموزه های دینی، امکان تبدیل کاه به کوه و کوه به کاه وجود دارد؛

گاهی می توان با یک احسان نه چنـدان بزرگ، مثل حضور در وقف مشارکتی، انـدک خود را تبـدیل به بسـیار کرد و از کاه ثروت و عمـل خیر، کوهی از حسـنات و خیرات به وجود آورد. به تعبیر دیگر، بـا یـک وقف نـاچیز و به ظاهر کم ارزش مانند یـک مُهر، کتاب دعا، آب سـردکن و...، یا صـرف پول انـدکی بِرای امور خیریه، از آن کاه کوچک، کوه حسـنات و ثواب ها ساخته می شود و با پناه بردن به این ِ

َکوه و در سایه آن، از خشم و غضب الهی و مشکلات عالم محشر رهایی و خالصی حاصل می گردد.

در نقطه مقابل، کوه حسـنات و خیرات می توانـد با نیت های ریایی و اهـداف پست و بی ارزش، حبط و نابود گردد و اثری از آن باقی نماند.

حضـرت علی(علیه السّـلام) درباره بایستگی انجام کارهای خیر می فرماید: «اِفعَلُوا الخَیرَ وَلَا تُحَقِّروُا مِنهُ شَیئاً ، فَإِنَّ صَغِیرَهُ کَبِیرُ وَ قَلِیلُهُ کَثِیرٌ؛ کار خیر انجام دهید و هرگز چیزی از آن را کوچک مشمارید، چرا که کوچکش بزرگ و کمش افزون است.»(۱)



---

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۲۲.

## بی نهایت

برخی چیزها مثل عـدد هسـتند؛ نهایت ندارند و پایانی برای آنها متصور نیست؛ هر قدر بشـماری، باز هم قابل افزایش است... و چه لذتی دارد این شماره ها وقتی عمل

نیـک انسـان را حتی در نبود او افزایش می دهـد و لحظه به لحظه بر پـاداش های او می افزایـد. وقف، راهی است برای کسـب چنین ثواب بی نهایتی.

ساخت مسـجد و حوزه علمیه، درمانگاه و مدرسه و مانند آن که ا گر کسـی توانست، خوشا به سعادت او و ا گر هم نمی تواند این مقدار هزینه کند، با مشارکت و پرداخت بخشـی از هزینه های آن، در شکل گیری یک موقوفه حاضر می شود و ثواب بی نهـایت برای خود ثبت و ذخیره می کنـد تا از ثواب بی شـمار آن تا همیشه بهره منـد گردد و از فرصت به دست آمـده، بهترین استفاده را نماید.

امـام باقر (علیه السّـلام)فرمود: «إِیَّاکَ وَ التَّفرِیطَ عِنْـدَ إِمْکَانِ الْفُرْصَهِ فَإِنَّهُ مَیـدَانٌ یجْرِی لِأَهْلِهِ بِالْخُسْـرَانِ؛ از کوتاهی و کم کاری هنگـام [به دست آمـدن] فرصت [انجـام کـار خیر و اعمـال نیـک] بپرهیزیـد! که در این میـدان آن که وقت را ضایع کنـد، می بیند.»(۱)

ص: ۱۸

---

۱- تحف العقول، ص ۲۸۶.

## شانس سعادت

معروف است که شانس یک بار در خانه انسان را می زند؛ این سخن بدین معناست که همیشه باید از فرصت ها و موقعیت هایی که پیش می آید، به بهترین نحو استفاده کرد.

شانس در امور معنوی و کارهای نیک یعنی فرصتی برای انجام نیکوکاری و احسان که همیشه پیش نمی آید و برخی زمان ها خداوند فرصت این توفیق را برای انسان مهیا می کند و این خود اوست که می تواند از آن بهره بگیرد یا با توجیهات رنگارنگ و بی اعتنایی، خود را محروم نماید. از این رو سفارش به بهره بردن از فرصت ها در گفتار معصومین(علیهم السّلام) و عمل به آن در سیره ایشان به خوبی مشاهده می شود.

ّ امام صادق(علیه السّلام) می فرماید: «إِنَّهُ لَیَعْرِضُ لِی صَاحِبُ الْحَاجَهِ فَأُبَادِرُ إِلَی قَضَائِهَا، مَخَافَهَ أَنْ یَسْتَغْنِیَ عَنْهَا صَاحِبُهَا؛ (۱) گاهی که شخص محتاج و نیازمندی به من مراجعه می کند، با عجله و ِ شتاب خواستۀ او را انجام می دهم؛ چون می ترسم که نیازش برطرف شود(و من از فیض پرداختن به احسان و نیکی به او محروم شوم).»

شاید به همین سبب است که امیرالمؤمنین(علیه السّلام) استفاده از فرصت ها و مهلت ها را مصداق خردمندی می دانند و می فرمایند: « لَوْ صَحَّ الْعَقْلُ لَاغْتَنَمَ کُلُّ امْرِءٍ مَهَلَهُ؛ ا گر عقل کسی کامل باشد، مهلت خود را غنیمت می شمارد».(۲)



---

۱- الامالی، شیخ طوسی ، انتشارات دارالثقافه، ص ۶۴۴.

۲- غررالحکم، ج۵، ص۱۱۲.

## عجله غیرشیطانی

برخی کلمات و ضرب المثل ها بر ذهن و زبان مردم نقش

بسته است که جایی در آموزه های دینی ندارند. یکی از این ضرب المثل ها و جملات رایج، «عجله کار شیطان است» می باشد. به راستی کدام عجله، شتاب گرفتن در مسیر شیطان و همراهی با ابلیس است؟ شاید این مفهوم در مواردی همانند عصبانیت، هیجان، خشم و غضب معنا پیدا کند که در این موارد باید از وا کنش های عصبی و شتاب کردن پرهیز و سکوت و تأنی پیشه کرد، ولی در میدان خداخواهی و مسابقه جلب رضایت پروردگار برای رسیدن به درجات والای معنوی، احسان و انفاق، کمک و دستگیری از نیازمندان، وقف و دیگر اعمال صالح، قطعاً سرعت و سبقت پسندیده و نیکو خواهد بود؛

همانگونه که آیات و روایات فراوانی به این حقیقت اشاره و تأ کید می کنند.

در قرآن می خوانیم:«فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ ؛پس در نیکی کردن بر یکدیگر سبقت گیرید. هر جا که باشید خدا شما را گرد می آورد».(۱)

نیز می فرماید: «و فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا ؛پس درکار خیر بر یکدیگر پیشی گیرید. همگی بازگشتتان به سوی خداست».(۲)

و در آیه دیگر، شتاب در کارهای نیک را از نشانه های خوبان می داند



---

۱- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲- سوره مائده، آیه ۴۸.

و می فرمایـد:« وَیُسَـارِعُونَ فِی الْخَیْرَاتِ وَأُولَئِـکَ مِنَ الصَّالِحِینَ ؛ و آنان در کارهای نیک شـتاب می ورزنـد واز جمله صالحان اند».(۱)

همچنین در روایات نیز بر سرعت و عجله در انجام کار

خیر توصیه و از تسویف و تأخیر منع شده است.

به فرموده پیـامبر (صلّی الله علیه و آله وسلّم ) :« وَ اِذا نَوَیتَ خَیرا فَعَجِّل وَ اِلاّ مَنَعَـکَ الشَّیطـانُ عَنِ ذلِـکَ ؛ هرگـاه قصـد [کار] خیری کردی شتاب کن وگرنه شیطان تو را از آن باز می دارد».(۲)

و امیرمؤمنان(علیه السّلام) می فرمایـد: « لَا خَیْرَ فِی الـدُّنْیَا إِلَّا لِرَجُلَیْنِ رَجُلٍ أَذْنَبَ ذُنُوباً فَهُوَ یَتَـدَارَکُهَا بِالتَّوْبَهِ وَ رَجُلٍ یُسَارِعُ فِی الْخَیْرَاتِ ؛ در دنیـا جز برای دو کس خیر نیست: یکی گناهکـاری که بـا توبه جبران کنـد ، و دیگر نیکوکـاری که در کارهـای نیکو شتاب ورزد».(۳)



---

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۱۴.

۲- بحارالأنوار، ج ۷، ص۲۹.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۹۴.

## گناهان پاک شده

گاهی که انسان اشتباهی را مرتکب می شود، افزون بر

عذرخواهی، به دنبال راهی است تا آن را جبران کند و از پیامدهای آن بکاهد. همانند غلط های املایی که با پاک کن و غلط گیر به دنبال اصلاح و تصحیح آن ها بر می آیند.

در امور معنوی نیز آن گاه که فکر و ذهن انسان به خطا رفت و مشق شیطانی نوشت، برای رهایی از آفات و آلودگی های گناه، انجام عمل صالح و پسندیده، راهی برای خلاصی و نجات است؛ همانگونه که پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) فرمودند: «اِتَّقِ اللهَ حَیثُما کُنتَ وَ أتبَع السَّیِئَهَ الحَسَنَهَ تَمحُها وَ خالِقِ النّاسَ بِخُلقٍ حَسَنٍ ؛ هر کجا هستی از خدا بترس؛ به دنبال گناه کار نیک انجام بده تا آن را محو کند و با مردم خوش اخلاق و نیکو رفتار باش».(۱)



---

۱- سید محمدباقر حکیم، الحکم الاسلامی بین النظریه والتطبیق، موسسه المناره، باب دوم: ص ۵۹ .

بی تردید، از بهترین راهکارهای محو آثار و پیامدهای سیئات و رفتارهای ناشایست، انجام حسنات و اعمال نیکی است که نقش زداینده و از بین برند تاریکی ها و ناپا کی ها را ایفا می کند؛ حسناتی همانند صدقه و

دستگیری از نیازمندان و در مقیاس بزرگ تر، وقف بخشی از اموال و دارایی ها که تا همیشه این پیرایش گری را ماندگار خواهد کرد.

قرآن به صراحت می فرماید: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ؛ البته خوبی و نیکوکاری های شما، زشتی و بدکاری هایتان را نابود می سازد».(۱)

و در آیه ای دیگر بیان می دارد: « وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ؛ و آنها که از آنچه به آنها روزی داده ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می کنند، و با حسنات، سیئات را از میان می برند، پایان نیک سرای دیگر از آن آنهاست».(۲)



---

۱- سوره هود، آیه۱۱۴.

۲- سوره رعد، آیه ۲۲.

## مال حلال، کارنیک

گرایش انسـان به معنویـات و تمایل به انجام کارهای خیر، بـدون دلیل و اتفاقی نیست. رگه هایی از معنویت و خـداباوری باید در وجود انسـان باشـد تـا جرقه هـای گرایش به احسـان و یـاری نیازمنـدان در او شـعله ور شود و رغبت به کار خیر در ذهن و ضمیرش ایجاد گردد.

سرنخ این ماجرا را باید در مال حلال و کسب روزی طاهر دانست.

در سـایه کسب حلاـل و غـذای پـا کیزه، معنویت و بـاور به آموزه هـای دینی در وجود انسان تقویت و تثبیت می گردد و بستر گرایش به رفتارهای معنوی و خیرخواهانه در انسان فراهم می آید.

با پایبندی و عمل به سنت حسنه وقف، نشانه های

ایمـان و معنویت را می توان در واقفان مشاهـده کرد؛ معنویتی برخاسـته از کسب حلال و غـذای پاکیزه که دست آنان را برای اقدام به وقف گشوده است. قرآن کریم نیز شـرط انجام اعمال صالح همانند وقف، احسان و دستگیری از نیازمندان را همراهی غـذای پـا کیزه ذکر کرده و می فرمایـد: « كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا » ؛ از غـذاهای پاکیزه بخوریـد، و عمل صالـح انجام دهید».(۱)

ص: ۲۴

---

۱- سوره مؤمنون، آیه ۵۱.

## ثروت های رشدیافته

انسان از به بارنشستن و رشد و نمو یک گل یا درخت

کوچک خرسند و شاد می گردد. چه حس و حال خوشی خواهد داشت وقتی در قیامت و آن گاه که حتی عزیزترین افراد همانند همسر، فرزند و پدر و مادر از انسان فراری شده و او تنها و بی کس می ماند، در آن لحظه رشد و نمای کارهای نیک، وقف و انفاق های خود را مشاهده نماید و لذت دوچندان ببرد.

خداوند متعال این رشدیافتگی را در آیاتی به تصویر کشیده است، از جمله می فرماید: «مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ وَاللَّهُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَشَاءُ ؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هرخوشه، یکصد دانه باشد و خداوند آن را برای هرکس بخواهد [و شایستگی داشته باشد]، چند برابر می کند.»(1)

حضرت علی(علیه السّلام) نیز می فرماید: «بر شما باد به احسان و نیکوکاری در حق دیگران، که آن برترین و پرمنفعت ترین کشت و زرع و سود آخرتی برای شما خواهد بود.» (2)

ص: 25

---

1- سوره بقره، آیه 261.

2- تصنیف غرر الحکم و دررالکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تحقیق: مصطفی درایتی و حسین درایتی، ص 383.

## ازخیرش بگذر

همیشه وقتی می گوینـد «از خیرش بگذر»، یعنی دیگر امیدی به آن نیست و انسان مجبور است آن را نادیده بگیرد! ولی خیری است که با گذشتن از آن، خیر

سرشار نصیب انسان می شود و او را سرزنده و امیدوار نگه می دارد.

وقف، از خیر مالی گذشـتن است تا اینکه در راهی مبارک، مانـدگار شود. این گونه از مال دنیا گذشـتن، باعث پیوند خوردن آن بـا خداونـدی است که در دنیـا و صـد البته آخرت برای نیکوکـاران، سـود فراوانی در نظر گرفته است؛ همـانگونه که قرآن کریم می فرماید: « وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ؛ و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد».(۱)

و چه زیبا قرآن ذخیره سازی خوبی ها و بازگشت منافع آن برای بهشتیان و مؤمنان صالـح را به تصویر می کشد و می فرماید: « وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ؛ و آنها که کار شایسته انجام دهند، به سود خودشان آماده می سازند».(۲)

ا گر انسان از این فرصت استفاده نکند، روزی خواهد رسید که تنها افسوس برایش باقی خواهد ماند؛

افسوس هر آنچه برده ام باختنی است

بشناخته ها تمام نشناختنی است

برداشته ام هر آنچه باید بگذاشت

بگذاشته ام هر آنچنه برداشتنی است

ا گر انسان از این فرصت استفاده نکند، روزی خواهد رسید که تنها افسوس برایش باقی خواهد ماند.



---

۱- سوره بقره، آیه۵۸ و نک: اعراف، آیه۱۶۱.

۲- سوره روم، آیه۴۴.

## کیفیت مهم تر از کمیت

صدها دانه فاسد و ناقص ا گر کاشته شود، هر گز

تغییری در آنها ایجاد نمی شود، نه سبز می شوند و نه سرسبزی ایجاد می کنند.

اما گاهی دانه ای کوچک کاشته می شود و تبدیل به خوشه و صدها دانه دیگر می شود.

اصولاً کمیت نشانه برتری نیست؛ در دستگاه الهی هم

معیار سنجش بر مدار کیفیت است نه کمیت! چه بسا ذره ها و کوچک هایی نادیده که مقبول می افتد و در نقطه مقابل، بسیارهایی که مُهر «باطل» بر آن زده می شود.

وقف آن دانه مبارکی است که در مزرعه دنیا کاشته

می شود و سرسبزی و خوشه های پرثمرش در دنیا و آخرت، برای انسان مثمر و مؤثر می شود.

نیت که خالص باشد، کم و زیادش خیلی مهم نیست؛

اینجا کیفیت است که ارزش آن را به اوج می رساند و مُهر

«قبول»، سند افتخار آن می شود.

امیرالمؤمنین امام علی(علیه السّلام) می فرمایند:

«عَلَیکَ بالإحْسانِ ، فإنَّهُ أفْضَلُ زِراعَهٍ و أرْبَحُ بِضاعَهٍ ؛-

احسان کنید که آن، برترین کشت و سودآورترین کالا

(سرمایه) است».(۱)



---

۱- غرر الحکم، ح۶۱۱۲؛ دانشنامه قرآن و حدیث، ج۱، ص۴۷۴.

## زیرک ترین مردم

زیرکی و کیاست برای هر کسی معنا و مفهوم خاص خودش را دارد. چه بسا برخی رسیدن به امکانات مادی و برخورداری از نعمت های بسیار را نشانه زیرکی

خود بدانند و برخی دیگر استفاده از فرصت زودگذر عمر برای کسب بهره های معنوی و رسیدن به درجات بالای آخرتی و دسته ای دیگر، همراهی و همزمانی استفاده از نعمت های دنیا و آخرت را نشانه هوش و ذکاوت بدانند.

پیامبر اعظم(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) تعریفی خاص و زیبا از زیرکی دارند: « أکیَسُ النّاس مَن کانَ أشدَّ ذِکرِاًلِلمَوتِ وِ أَغْبَطُ النّاسِ مَنْ کَانَ تَحْتَ التُّرابِ قَدْ أَمِنَ

الْعِقَابَ وَ یَرْجُو الثَّوَابَ ؛ ِ زیرک ترین مردم کسی است

که بیش تر مرگ را به یاد آورد کسی و رشک آورترین آنان،

است که در گورش بخوابد و از کیفر ترس نداشته باشد و به پاداش خدا امیدوار باشد». (۱)

ص: ۲۸

---

۱- الأمالی، شیخ صدوق، ج۱، ص۲۰؛ الشافی، ص۸۲۲ .

رهبر معظم انقلاب (حفظه الله تعالی) نیز در شرح این حدیث می فرماید:

زیرک ترین مردم کسانی اند که بیشتر از همه یاد مرگ بکنند. بعضی ها از یاد مرگ فرار می کنند!

این بلاهت و حماقت است. همه افراد عالم، همه

موجودات عالم بالاخره به این مرحله می رسند، همه

خواهند مُرد، وقتی مُردیم، مواجهیم با عمل خودمان،

مواجهیم با جزای اعمال، مواجهیم با حساب. این

باید انسان را هوشیار کند... وقتی انسان به یاد آن

روز باشد، سعی می کند طوری عمل کند که در مقام

محاسبه کم نیاورد. این زیرکی است که انسان به یاد

مرگ باشد. از همه بهره مندتر آن کسی است که در زیر

خاک، یعنی آن وقتی که وارد قبر می شود، از عقاب

الهی مأمون باشد و امید ثواب الهی را داشته باشد.(۱)

ص: ۲۹

---

۱- شرح حدیث از مقام معظم رهبری حضرت آیت ا... امام خامنه ای(مدّ ظله) (جلسه ۵۰۹ ،درس خار ج، ۲۱ / ۸/ ۹۱ ).

## مهارت وقف

خیلی چیزها در ظاهر شبیه هم هستند، ولی باطن و حقیقت چیز دیگری است. در نقاط حساس و سر بزنگاه ها واقعیت ها روشن می شود و پرده ها فرو می افتد.

بزنگاه احسان و خیرخواهی و نقطه حساس گذشتن از مال و ثروت از جاهایی است که فرق ها را آشکار می کند. چه بسیار ثروتمندان متشخص و نامداری که یادی از آنان نمانده و هر آنچه به دست آورده بودند، با رفتنشان تمام شد و دردی از آنان دوا نکرد. اما گاهی یک فرد متوسط از جهت مالی، سود سرشاری از مال اندک خود برای آخرتش تدارک می بیند و یا حتی افراد کم برخوردار، با وقف مشارکتی، از این فرصت بهره می گیرند.

بر این باور، وقف یک مهارت کاربردی برای جلب رضایت خداوند و آبادانی خانه آخرت است که چه بسا خیلی از ثروتمندان از آن محرومند.

امیرمؤمنان علی(علیه السّلام) فرمودند: « ما تَقَّدمَ

مِنْ خَیْرٍ یَبْقَ لَکَ ذُخْرُهُ وَ ما تُؤَخّرُهُ یَکُن لِغَیرِکَ خَیْرُهُ ؛ آنچه پیش از خود بفرستی برای تو ذخیره می شود و آنچه تأخیر بیندازی، فایده اش تنها برای دیگران است (ولی مسئولیتش متوجه توست)».(۱)

ص: ۳۰

---

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۴۶۰.

## یک فرصت جدید

انسان گاهی پشیمان می شود و دوست دارد بازی و

داستان و حتی زندگی را از ابتدا آغاز کند، یا لااقل فرصت دیگری پیدا کند تا این بار جبران مافات نماید. قرآن کریم وقتی داستان زندگی انسان را مرور می کند، از یک پشیمانی پراضطراب سخن می گوید. یک پشیمانی که هیچ سودی ندارد: «حَتَّی إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّی أَعْمَلُ صَالِحًا فِیمَا تَرَکْتُ ؛ تا آن گاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد، می گوید: پروردگارا مرا بازگردانید،

شاید من در آنچه وانهاده و کوتاهی کرده ام، کار نیکی انجام دهم». (۱)

وقف، راهکاری است زیبا و آرامش بخش برای آن زمانی که پشیمانی سودی به حال انسان ندارد.

تا رسد دستت به خود، شو کارگر

چون فتی از پای، خواهی زد به سر

انسان اگر لحظات سخت احتضار و عالم قبر را تصور نماید و خود را متقاضی بازگشت به دنیا ببیند، همین امروز اقدام خواهد کرد؛ از این رو امام سجاد(علیه السّلام) فرمود:

« فَلْیُنْزِلَنَّ أَحِدُکُمْ اَلْیَوْمَ نَفْسَهُ فِی هَذِهِ اَلدُّنْیَا کَمَنْزِلَهِ الْمَکْرُورِ إِلیَ اَلدُّنْیَا اَلنَّادِم عَلَی مَا فَرَّطَ فِیهَا مِنَ الْعَمَلِ اَلصَّالِحِ لِیَوْمِ فَاقَتِهِ ؛ پس بایـد هر کس خود را در این دنیا مثل کسـی قرار بدهد که گویی عمر دوباره یافته و از کوتاهی در انجام عمل صالح برای روز تهیدستی در قیامت، پشیمان است».(۲)



---

۱- سوره مؤمنون ، آیات ۹۹ و ۱۰۰.

۲- تحف العقول، ص۲۷۲؛ بحارالانوار، ج۷۵ ، ص ۱۲۹.

## پرونده های باز

روال بر این است که پرونـده ها، پس از مـدتی مختومه می شونـد، تنها تعداد کمی از پرونده ها هسـتند که به نتیجه قطعی نمی رسند و همچنان باز می مانند.

با مختومه شدن پرونده عمر انسان، دست او از دار دنیا کوتاه شده و دیگر فرصتی برای انجام اعمال صالح ندارد و تنها، پس از مرگ آثار کارهای نیک و بد خود را مشاهده می کند و در دادگاه الهی، مورد محاسبه قرار می گیرد.

وقف، از جمله اعمال نادر و انگشت شـماری است که با وجود آن، پرونـده اعمال انسان هرگز مختومه نمی گردد و تا همیشـه برای واقفان باز می ماند.

به دیگر سـخن، با عمل به وقف در دنیا و بهره منـدی مخلوقات و بندگان خدا از موقوفه، هر روز پاداش به حساب واقف واریز می شود و این چنین عمری به درازای ابدیت پیدا می کند.

امام صادق (علیه السّلام) در تبیین و شمارش برخی از اعمال که پرونده خیرات را بعد از مرگ برای انسان

باز نگه می دارد، فرمودند:

« سِتُّ خِصَالٍ ینْتَفِع بِهَا الْمُؤمِنُ مِنْ بَعْدِ مَوتِهِ وَلَدُ صَالِحُ یسْتَغْفِرُ لَهُ وَ مُصْحَفُ یقْرأُ مِنْهُ وَ قَلیبٌ یحْفِرُهُ وَ غَرْسُ یغْرِسُهُ وَ صَدَقَةٌ مَاء یجْرِیهِ وَ سنَّهُ حَسنَهُ یؤْخَذُ بِهَا بَعْدَهُ ؛ مؤمن از شـش [عمل و]خصـلت، بعـد از مرگش سود می برد: فرزنـد صالـح که برای او اسـتغفار کند؛ قرآنی که از طرف او خوانده می شود؛ چاهی را که حفر کرده است؛ و درختی را که کاشته است [و مردم از آن و میوه آن استفاده می برند]؛ [وقف کردن] و صدقه قرار دادن آبی که جاری ساخته است؛ سنت نیکویی که [پایه گذاری

کرده است و] مردم بدان پس از او عمل می کنند. »(۱)

ص: ۳۲

---

۱- بحار الانوار، ج۷۱، ص۲۵۷ و امالی، شیخ صدوق، ص۱۴۳.

## سنگ و چاه

گره های زندگی بسیار است و یافتن خالصی از

آنها دشوار؛ همان قصه سنگ و چاه که گاهی انسان بر اثر غفلت و نادانی با سبک سری و بی اعتنایی به معارف دینی، سنگ گناه در چاه می اندازد و خود و دیگران را برای بیرون آوردن آن به زحمت و مشقت می افکند.

اما خداوند راهکارهایی گره گشا به انسان آموخته و چگونگی گسستن زنجیرهای مشکلات را پیش پای آدمی قرار داده است.

احسان و نیکوکاری و در زمره محسنین و واقفین قرار گرفتن، گره گشای ناب و مجرّبی است.

قرآن می فرماید:«لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ؛ تا خداوند آنان را برای بهترین اعمالی که انجام داده اند پاداش دهد و از فضل خود بر پاداششان بیفزاید و خداوند به هرکس بخواهد بی حساب روزی [و پاداش] می دهد.»(۱)

رسول خدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) نیز فرمودند: « مَنْ أَغَاثَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ حَتَّى يُخْرِجَهُ مِنْ هَمٍّ وَ كُرْبَةٍ وَ وَرْطَةٍ كَتَبَ اللهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ أَعْطَاهُ ثَوابَ عِتْقِ عَشْرِ نَسَمَاتٍ وَ دَفَعَ عَنْهُ عَشْرَ نَقِمَاتٍ وَ أَعَدَّلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ عَشْرَ شَفَاعَات ؛ هر که به فریاد برادر مسلمانش رسد تا او را از اندوه و گرفتاری و تنگنا در آورد، خدا برای او ده حسنه می نویسد و او را ده درجه بالا می برد و پاداش آزاد نمودن ده بنده را به او ارزانی می فرماید و ده گرفتاری بزرگ را از او دور می سازد و در روز رستاخیز ده شفاعت برای او آماده دارد.» (۲)



---

۱- سوره نور، آیه ۳۸.

۲- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق، انتشارات شریف رضی، قم، ص۱۴۸.

## ضمانت خداوند

به طور طبیعی همه خواهان دریافت سود سرشار از سرمایه گذاری خود هستند، ولی مهم تر از سود فراوان، ضمانت های قطعی و قابل اطمینانی است که بانک یا

مؤسسه مربوطه ارائه می کند وگرنه مدتی سود مناسب گرفتن و بعد هدر رفتن تمام سرمایه، جز ضرر و خسران نخواهد بود.

وقف، قرض دادن، دستگیری از نیازمندان و انفاق و احسان نسبت به بندگان خدا، سرمایه گذاری در بانک رضایت الهی است که سود کلانی نصیب انسان می گرداند و خداوند برای سرمایه گذاران در آن، ضمانت قطعی

نموده است.(۱) قطعاً هیچ تضمینی بالاتر از تضمین خدا نیست و واقفان با خیال آسوده می توانند اموال خود را وقف کرده و اجر و پاداش الهی را دریافت نمایند.



---

۱- قرآن می فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا کَثِیرَةً وَاللَّهُ یَقْبِضُ وَیَبْسُطُ وَإِلَیْهِ تُرْجَعُونَ ؛ کیست که به خدا «قرض الحسنه ای» دهد، (و از اموالی که خدا به او بخشیده، انفاق کند،) تا آن را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است (که روزی بندگان را) محدود یا گسترده می سازد؛ (و انفاق، هرگز باعث کمبود روزی آنها نمی شود). و به سوی او باز می گردید (و پاداش خود را خواهید گرفت)». سوره بقره، آیه۲۴۵، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

به همین جهت است که امام علی(علیه السّلام)فرمود:

«لا تِجارَهَ کَالْعَمَلِ الصّالِحِ وَ لارِبْحَ کَالثَّوابِ ؛ هیچ تجارتی

همانند عمل صالح و هیچ سودی مانند پاداش الهی

نیست». (۱)

نکته کلیدی در این زمینه، باورمندی و یقین انسان واقف است، همان گونه که حضرت علی(علیه السّلام) فرمودند:

«مَنْ أَیْقَنَ بِالْخَلَفِ جَادِ بِالعَطِیَهِ؛ کسی که یقین به عوض گرفتن داشته باشد، در بخشش کردن جوانمرد است (و بدون مضایقه در راه خدا انفاق می نماید)».(۲)

بلی هر کس یقین دارد عوض را رِود این راه مقصود و غرض را چو او مؤمن در این سودا به سود است

دو دستش باز در ایثار و جود است(۳)



---

۱- میزان الحکمه، ج۱، ص۵۲۲

۲- نهج البلاغه، حکمت۱۳۲.

۳- شرح نهج البلاغه منظوم، ج ۹، ص۱۳۶.

## تاریخ مصرف

روال بر این است که تمامی اجناس و کالاها، به ویژه کالاهای فاسدشدنی، تاریخ مصرفی روی آنها درج شده باشد. ثبت یک محدوده زمانی مشخص که نهایت تاریخ ارزشمندی و ماندگاری آن را معین می کند و با پایان یافتن آن زمان، از چرخه مصرف خارج و محصولی بی ارزش تلقی می گردد.

در امور دنیایی نیز غالباً کارها محدود به زمان و تاریخ است، برخلاف امور و اعمال معنوی و کارهایی که برای خدا باشد، همانند احسان، انفاق و وقف که تاریخ مصرف مشخص ندارد و برای همیشه ارزشمند و ماندگار هستند.

قرآن کریم می فرماید:«مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ ؛

آنچه نزد شماست تمام شدنی است و آنچه نزد خداست،

ماندنی!»(۱)

ص: ۳۶

---

۱- سوره نحل، آیه ۹۶.

## ممکن شدن ناممکن

خیلی وقت ها برای گره گشایی از مشکلات، برخی افراد ِ

دست به دامن ماهرترین و زبده ترین شخصیت آن حرفه و تخصص می شوند تا بلکه آنها بتوانند مشکل را حل و بارقه های امید را در دل زنده نمایند. انسان ها گاهی حاضرند برای حل مشکلشان هر هزینه ای ولو گزاف، پرداخت نمایند، ولی هدف و آرزوی آنان برآورده گردد؛ همانند زوج هایی که تمامی امکانات مادی در اختیار دارند، ولی از نعمت فرزند بی بهره اند؛ یا بیمارانی که بیماری های صعب العلاج دارند و نمونه های بسیار دیگر از این قبیل.

خداوند، گره گشای زیبا، در دسترس و قابل اعتمادی برای انسان در نظر گرفته است که نشدنی ها را شدنی و ناممکن ها را ممکن می سازد. این راه، انجام کار خیر به همراه درخواست خالصانه از خداوند قادر حکیم است که امکان برآورده شدن هر حاجتی را هموار می سازد؛ خداوند

درباره پیشینه این مسئله مهم، حضرت زکریا(علیه السّلام) را مثال می زند و می فرماید:

«فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ ؛ دعای او را پذیرفتیم و یحیی را به او ِ

بخشیدیم و همسرش را (که نازا بود) برایش آماده (بارداری) کردیم، چرا که آنان همواره در کارهای خیر به سرعت اقدام می کردند و در حال بیم و امید، ما را می خواندند و پیوسته برای ما (خاضع و) خاشع بودند».(۱)

ص: ۳۷

---

۱- سوره انبیا، آیه ۹۰.

## تعطیلی بازار

همه بازارهـا و مرا کز عرضه و فروش تـا سـاعت مشخصـی دایر بوده و بـا پایان یافتن زمان، درب ها قفل و بازار تعطیل خواهد شـد. به گفته روایات و معارف دینی، دنیا همانند بازاری اسـت(۱) که در زمان مشـخص و نه چنـدان دور، تعطیل خواهد شد. بازاریان با تجربه

و دوراندیش کسانی هستند که نه تنها برای امروز، بلکه برای آینده نیز منابع مالی و ذخایر لازم را اندوخته می کنند تا در زمان بروز حوادث و اتفاقات و تعطیلی بازار، کسب و کارشان از رونق نیفتد و دچار خسارت یا ورشکستگی نشوند.

مؤمنـان زیرک نیز در بـازار دنیـا از چنین دوراندیشـی برخوردارنـد و افزون بر گـذران زنـدگی دنیـایی، ذخیره ها و توشه های آخرتی برای خویش تـدارک می بیننـد تـا پس از مرگ و بسته شـدن بازار دنیا، کسب و کار معنوی آنان ادامه یابـد و سود و منفعت کارهای خیرخواهانه و احسان و وقف شان، به سوی آنان روانه گردد.

قرآن کریم بـا تأ کیـد بر این مطلب فرموده است: «وَابْتَغِ فِیمَا آتَاکَ اللَّهُ الـدَّارَ الْآخِرَهَ وَلَا تَنْسَ نَصِیبَکَ مِنَ الـدُّنْیَا وَأَحْسِنْ کَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَیْکَ؛ و در آنچه خـدا به تو داده، سـرای آخرت را بطلب و بهره ات را از دنیا فراموش مکن و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده است، نیکی کن!»(۲)

امام علی(علیه السّلام) نیز می فرماید: «طُوبَی لِمَن أَحْسَنَ إِلیَ الْعِبَادِ وَ تَزَوَّدَ لِلمَعَادِ ؛ خوشا به حال کسی که

به بندگان خدا نیکی کند و برای روز قیامت توشه بردارد.»(۳)

ص: ۳۸

---

۱- امام هادی علیه السلام فرمود: «الدُّنیَا سُوقٌ رَبِحَ فِیهَا قَوْمٌ وَ خَسِرِ آخَروُن ؛ دنیا بازاری است که جمعی در آن سود می برند و جمع دیگر زیان.» تحف العقول، علی بن شعبه حرانی، ص ۴۸۴.

۲- سوره قصص، آیه ۷۷.

۳- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۴۹.

## مرغ آمین

از قدیم گفته اند که مرغ آمین در راه است؛ یعنی چه بسا آن گاه که انسان دلسوخته ای از اعماق وجود دستانش را به سمت آسمان می برد و دعا می کند، همان لحظه با

اجابت مقرون گردد و به هدف اجابت بنشیند.

کارهای خداپسندانه همانند احسان، انجام اِنفاق و وقف بخشی از ثروت و دارایی خدادادی، دعای خیر احسان شدگان و همه کسانی که به نوعی از این کار خیر بهره مند شده اند را شامل حال فرد نیکوکار می گرداند و

خداخواهی، روحیه تقویت بر افزون چه بسا به سعادت و نیک عاقبتی او بینجامد.

قرآن می فرماید: « وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ؛و کارنیک انجام دهید، باشد که رستگار شوید».(۱)



---

۱- سوره حج، آیه۷۷.

## جنس مرغوب

عرضه اجناس مخلوط و درهم جدا از اینکه ارزش قیمتی کمتری دارند، موجب می شوند فروشنده و صاحب جنس نیز موقعیت و اعتبار خود را تا حدی از دست بدهد.

انفاق و احسان، بخشش و وقف و دیگر اعمال نیک ا گر با تقوا و خدامحوری همراه نبوده و از ناخالصی های دنیایی و افکار و نیات ریایی پیراسته نباشد، خداوند متعال خریدار آن نخواهد بود. البته چه بسا خداوند قیمت دنیایی آن را -که همان تعریف و تمجید و شهرت و عزت دنیایی است- پرداخت نماید تا به خاطر انجام کارهای خیر، در آخرت طلبی از خدا نداشته باشند.(۱)

حال ا گر این انفاق و احسان با نیت خالص و تقوای الهی همراه گردد، گستره اش به سرای دیگر کشیده شده و آثار مبارکش به جهان آخرت نیز منتقل خواهد شد و خداوند

متعال به بالاترین قیمت آن را خریداری کرده و پاداش عظیم به خیّران، واقفان و محسنین عطا خواهد کرد.

قرآن می فرمایـد: « لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ ؛ برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است و سرای آخرت از آن هم بهتر است و چه خوب است سرای پرهیزکاران!»(۲)

ص: ۴۰

---

۱- قرآن می فرمایـد:« إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ؛ مـا اجر نیکوکـاران را ضـایع نخـواهیم کرد». سوره کهف، آیه۱۲۲.و فرموده است:« وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ؛و اجر نیکوکاران را تباه نمی سازیم». سوره یوسف، آیه۵۶.

۲- سوره ی نحل، آیه ی ۳۰.

## درآرزوی پسر

بقاء و ماندگاری نسل از جمله آرزوهای همیشگی انسان است؛ شاید به همین دلیل است که بسیاری کوشیده اند فرزند پسری داشته باشند تا به قول خودشان، نام و

رسم آنان را زنده و چراغ خانه شان را روشن نگه دارد. برخی زنان و دختران نیز قربانی همین تفکر شده اند و به جرم دخترزایی، طعم تلخ طلاق و بی اعتنایی همسر و خویشان را چشیده اند.

البته همیشه راه های دیگری هم وجود دارد که می تواند این خواسته انسان یعنی میل به جاودانگی را محقق کند. وقف از جمله چیزهایی است که نام و یاد انسان را ماندگار و چراغ خانه دنیا و آخرت او را روشن و پرنور می دارد.

خداوند در قرآن کریم، به نیکوکاری و مجاهدت حضرت نوح(علیه السّلام) اشاره کرده و پس از آن می فرماید: و فرزندانش را همان بازماندگان(روی زمین) قرار دادیم:

«وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ».

بعد به ماندگاری نام نیک و ذکر خیر و ثناء جمیل او اشاره می کندو می فرماید: «و نام نیک او را در میان امت های بعد باقی نهادیم: «وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ » .

یعنی انسان می تواند بدون داشتن فرزند جاودانه بماند. وقف، راهی است که نام نیک او را ماندگار خواهد کرد؛ از این رو برای آن که این برنامه برای دیگران الهام بخش گردد، می افزاید:ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم: «إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ».(۱)



---

۱- نک: سوره صافات، آیات ۷۸-۷۴.

## مهارت ثروتمندی

همه می تواننـد درس بخواننـد اما همه فهمیـده نمی شونـد؛ باسواد ی یک مهارت است، اما درک و فهمیدگی یک فضـیلت و اعتبار است.

همه یاد می گیرنـد زنـدگی کنند، اما همه نمی توانند زیبا زندگی کنند؛ زندگی یک عادت است، اما زیبا زندگی کردن یک هنرمندی و فضیلت است.

همه می توانند پول دار شوند، ولی همه نمی توانند بخشنده شوند؛ پول داری یک مهارت ولی بخشندگی

یک فضیلت است.

نبایـد فراموش کرد که ا گر خداونـد به کسـی برکت و ثروت داده است و ا کنون شـرایط مالی مناسبی دارد، بایـد قدردان این موقعیت باشـد و با به فکر دیگران بودن، سپاسـگزار این موهبت الهی باشد و یقین داشـته باشد که بخشـش مال، همچون هرس کردن درخت است که دارایی اش را زیاد و زیادتر خواهـد کرد، در حالی که امساک و بخل ورزی و ردیف کردن بهانه های شیطانی، چه بسا این بستر و فرصت خدمت را از چنگ او برباید و حسرت و ندامت دامن گیر او گردد.

حضرت علی(علیه السّلام) چه زیبا فرمود: « الفَوتُ حَسَرات مُحرِقَات؛ از دست دادن فرصت، حسرت هایی

سوزنده دارد». (۱)

و فرمود: « مَنْ بَسَطَ يَدَهُ بِالْأَنْعَامِ حَصَّنَ نِعْمَتِهِ مِنَ لِانْصِرام ؛ کسی که دستش را برای بخشندگی ِ (به دیگران) بگشاید، نعمتش(و دارایی اش) را از نابودی حفظ می کند.» (۲)



---

۱- غرالحکم، ص۴۷۴.

۲- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۷۹.

## به لطافت باران

باران دوست داشتنی و لطیف است؛ باعث رویش و برکت

می شود؛ شادمانی و مسرت بر جا می گذارد و تشنگان و خشکی دیدگان را سیراب و سرزنده می سازد،

به حرکت و پویایی وامی دارد و گل های زندگی بر سرزمین خشکی زده آنان می رویاند.

برخی انسان ها نیز مانند باران مبارک و اثرگذار هستند؛ چون با وقف بخشی از دارایی و ثروت خویش، لطافت و محبت بر سر بندگان خداوند می بارند و آنان را به رویش، سرزندگی و امیدواری سوق می دهند.

امام باقر (علیه السّلام) در ترسیم الگوهای برکت آفرین و رحمت بخش می فرماید: «إنَّ لِلهِ تَعالَی ذِکْرَهُ عِبَاداً مَیَامِینَ مَیَاسِیرَ یَعِیشُونَ وَ یَعِیشُ النَّاسُ فِی أَکْنَافِهُمْ وَ هُمْ فِی عِبَادِهِ بِمَنْزِلَه الْقَطْرِ؛ خدا بندگانی دارد که منبع و سرچشمهٔ میمنت و برکت اند. خودشان زندگی می کنند

وَ مردم هم در کنف حمایت آن ها زندگی می کنند. این ها افرادی هستند که وجودشان مایه برکت و میمنت است و مردم از برکات وجودشان پیوسته برخوردارند و به حوائج مادی و معنوی شان نائل می گردند. اینها در میان بندگان خدا مثل باران رحمت اند که با ریزش خود، زمین های خشک را زنده می کند و شاداب و باطراوت می سازد و آن ها را به میوه و محصول و ثمر می رساند.»

ص: ۴۳

## کوچه های بن بست

کوچه بن بست، بدن ناتوان و دیوارهای بلند و

دست نیافتنی! همه اینها کافی است تا انسان دست تسلیم بالای سر ببرد و با صدای بلند، به ضعف

و ناتوانی خود اعتراف کند.

زنـدگی دنیا، مشابه این روزها کم نـدارد؛ روزی می رسد که دیگر پول چاره کارها نیست، رابطه ها و رفاقت ها دردی درمان نخواهـد کرد، تخصـص و علم نیز جوابی نـدارد، اینجـاست که دست هـا به علامت تسـلیم بالا می رونـد و سـر تعظیم فرود می آورند. امروز باید به فکر آن روز بود و چاره کرد.

به فرمایش امیرمؤمنان(علیه السّلام) : «بادروُا آجَالَکُم بِأَعْمَالَکُمْ وَ اِبْتَاعوُا مَا یَبْقَی لَکُم بِمَا یَزُولُ عَنْکُم ؛ بهَ ِ

وسیله اعمال نیکو بر مرگ پیشی جویید، و بخرید آنچه را برای شما باقی می ماند به چیزی که ازدستتان

می رود.»(۱)

یعنی قبل از آنکه بمیرید، برای خودتان آستین بالا بزنید و با وقف و احسانی ماندگار، بهشت را خریداری کنید.

خداونـد نیز در قرآن کریم از سـر دلسوزی و لطف برای بنـدگان خود می فرمایـد: این سـخن را به بنـدگانم بگو: «قُلْ لِعِبَادِیَ الَّذِینَ آمَنُوا یُقِیمُوا الصَّلَاهَ وَیُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِیَهً مِنْ قَبْلِ أَنْ یَأْتِیَ یَوْمٌ لَا بَیْعٌ فِیهِ وَلَا خِلَالٌ ؛

نماز را بپا دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم، پنهان و آشکارا انفاق کنند، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی باشد و نه دوستی».(۲)

ص: ۴۴

---

۱- نهج البلاغه، خطبه ۶۳.

۲- سوره ابراهیم، آیه ۳۱.

## بهای بهشت

«بهشت را به بهانه می دهند نه بها»، «بهشت را به بها می دهند نه بهانه»، کدام جمله صحیح و منطبق با آموزه های الهی است؟

به فرموده قرآن کریم، آخرت خواهی و رسیدن به درجات و نعمت های بهشت، با آرزو و تخیل های رنگارنگ و زیبا تحقق نمی یابد. به تصریح قرآن: «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ؛

و آن کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و

کوشش کند -در حالی که ایمان داشته باشد- سعی و تلاش او، (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد».(۱) یعنی شرط رسیدن به خوشی های آخرتی، تلاش و کوشش دنیایی است نه صرف آرزو و

امیال یا وعده های توخالی.

کسی که طالب بهشت است، باید برای رسیدن به آن تلاش کند و خود را لایق بهشتی شدن و هم جواری و همنشینی با خوبان کند؛ همان ها که از جان و مال خود گذشتند تا نور معارف الهی و آموزه های وحیانی همه جا گسترده گردد. خوبانی که با وقف خویش، راه بهشت را به مسافران دنیا نشان دادند تا همگان بدانند که بهشت بهایی دارد که برای به دست آوردن آن، باید آن را

پرداخت کرد.

امام علی (علیه السّلام)در نهج البلاغه می فرماید:

«فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِ وَ الْاِجْتَهَادِ ، وَ التَّأَهُّبِ وَالْاَسْتِعداد ، وَ التَّزَوُّدِ فِی مَنْزِلِ الزَّادِ؛ بر شما باد به تلاش و کوشش، آمادگی و آماده شدن، و جمع آوری زاد و توشه آخرت در دوران زندگی دنیا».(۲)



---

۱- سوره اسراء، آیه ۱۹.

۲- خطبه ۲۲۱.

## بیمه آخرت

عقـل انسـان ها به گونه ای طراحی شـده که او را به پیش گیری از خطرهای احتمالی و چاره اندیشـی برای بعـد از وقوع حادثه ملزم و متقاعد می نماید. بیمه کردن

اموال و دارایی ها، نشانه ای از عقلانیت و آینده نگری انسان است تا در صورت بروز حادثه، خسارت

و ضـرر و زیـان آنـان جبران گردد و انسـان را از فلاکت احتمالی نجات دهـد. بیمه کردن ماشـین، منزل مسـکونی، بیمه عمر و حادثه و درمان و دیگر بیمه ها، همه برای آن است که اشخاصـی که متحمل زیان یا حادثه ناخواسـته ای شـده انـد، قادر شوند که پیامدهای این وقایع ناگوار را جبران

کننـد و بر زخم خود التیـام نهنـد. ا گرچه خیلی هـا در زمـان پرداخت هزینه بیمه، بی میل و رغبت هسـتند، ولی عقل مصـلحت اندیش چون خطرهای احتمالی را به خوبی می شناسد و احتمال وقوع خطر می دهد، پرداخت هزینه را لازم می شمرد؛ زیرا در ازای چشم پوشی از بخشی از دارایی، آرامش و اطمینان خاطر نصیب انسان می گردد.

خطرهـای احتمـالی پیش روی انسـان در عـالم محشـر و روزهـای پس از مرگ، هر انسـان باایمـان و عاقلی را برای بیمه کردن کارها فرا می خوانـد؛ زیرا انسان نمی توانـد به هیچ کدام از داشـته های خود از قبیل عبادت، ذکر و دعا و... دلخوش باشد و با تکیه بر آنهـا، به سـرای آخرت وارد شود؛ زیرا بر اساس روایات، برخی انسان ها وقتی زمان حساب و کتاب فرا می رسـد، تمام پرونده اعمال

نیکشان را محو و نابود شـده می یابند؛ بواسـطه گناهانی چون غیبت، نداشـتن قصد قربت، عبادات ریایی و... هر کدام بهانه ای می شوند و رشته های انسان را یکی یکی پنبه کرده و او را حسرت زده و حیران خواهند نمود.

ص: ۴۶

صرف احتمال وقوع چنین خطری، هر عاقلی را به چاره اندیشی و بیمه کردن عبادت ها و یافتن جایگزین برای آن فرامی خواند.

وقف با نیت خالصانه و صرفاً با هدف جلب رضایت الهی و هزینه کردن بخش اندکی از اموال و دارایی، برای آسودگی خاطر در قیامت، بیمه ای است که کمک حال انسان در آن لحظات حساس خواهد بود.

قرآن کریم نیز وقتی از احسان و انفاق و ... سخن می گوید، این گونه رفتارهای خداپسندانه را جلوه گر عقل و خرد انسان می داند و می فرماید: انسان های خردمند و دانا به خوبی می دانند که مال دنیا و زینت های آن ماندگار نیست، از این رو به بهره برداری صحیح از آن اقدام می کنند:

«إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ؛ مثل زندگی دنیا، همانند آبی است که از آسمان نازل کرده ایم که در پی آن، گیاهان (گوناگون) زمین -که مردم و چهارپایان از آن می خورند- می روید تا زمانی که زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته می گردد، و اهل آن مطمئن می شوند که می توانند از آن بهره مند گردند، (نا گهان) فرمان ما، شب هنگام یا در روز، (برای نابودی آن) فرامی رسد (سرما یا صاعقه ای را بر آن مسلط می سازیم) و آن چنان آن را درو می کنیم که گویی دیروز هرگز (چنین کشتزاری) نبوده است! این گونه، آیات

خود را برای گروهی که می اندیشند، شرح می دهیم!»(۱)



---

۱- سوره یونس، آیه ۲۴.

## برای روزحسرت

گـاهی انسـان به برخی چیزها دل می بنـدد، غافل از آنکه این وابسـتگی، چیزی جز خیالات و تصورات باطل و دور از حقیقت نیست و در عرصه عمل و هنگام نیاز، نه تنها به کار او نمی آیـد، بلکه باعث گرفتاری بیشتر او شـده، بر حسـرت و اندوه او می افزاید.

شایـد به همین جهت است که یکی از نـام هـای روز قیـامت «یوم الحسـره» است؛ چرا که برخی انسـان ها دلخوش و مطمئن به اعمال و عباداتی که انجام داده اند،

وارد عرصه محشر می شوند، ولی با افشای واقعیت اعمال، هر کدام به گونه ای کنار رفته، انسان می ماند و

دست های خالی و پرونده ای بدون عمل صالح با بارهای اضافه ای همچون ریا و میل به خودستایی و شهرت.

چه شـیرین و دلنشـین خواهـد بود ا گر دراین لحظات سـخت و هول انگیز، نا گهان روزنه امیدی پیدا شود و سـخن از عملی به میان آیـد که مورد قبول الهی واقع شـده است. عملی به زیبایی وقف با نیتی به رنگ خدا که در سایه سار آن توانسـته احسانی ماندگار و زیبا بیافریند و با وقف بخشی از

دارایی خویش، سایه رحمت الهی را در روز حسرت و ندامت، برای خود بگستراند.

بی گمان یک گروه از حسرت خورندگان روز قیامت، کسانی هستند که از دارایی ها و سرمایه های

خود برای زندگی آخرت استفاده نکردند و از آبادانی سرای جاوید و باقی، غافل شدند؛ همانگونه که امام علی(علیه السّلام)می فرماید:

«الْفُرصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَانْتَهِزُوا فُرَصَ الْخَیرِ ؛

فرصت باسرعتی مانند حرکت ابر، می گذرد، پس فرصت های خیر را (فرصت هایی که برای انجام کارهای نیک است) غنیمت شمارید».(۱)

به بام نیک بختان چون همایی

نشیند با هزاران ناز فرصت

گرش دامن رها از دست سازد!

کند از آشیان پرواز فرصت

رود از دست فرصت زود، دردا!

به آساین نگردد باز فرصت(۲)



---

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۱.

۲- شعر از قاسم رسا.

## فرصت لحظه ها

انسان ها در دنیا مسافرانی به مقصد آخرت هستند و این

دنیا به منزل ایستگاهی است که به انسان های مسافر، فرصت انجام کارهای خوب و پسندیده را می دهد تا برای راه طولانی که در پیش دارند، توشه ای برگیرند. به یقین فرصت ها محدود و تنها امروز برای ما مهیاست؛ چرا که فرصت دیروز گذشته و به پایان رسیده و اطمینان از فرصت فردا نیز برای هیچ کس ممکن نیست.

در شعر مشهوری که برخی بزرگان به

امام علی(علیه السّلام) نسبت داده اند می خوانیم:

«ما فاتَ مَضی وَ ما سیأتیکَ فَاَیْنَ ؟ قُمْ فَاغْتَنِم الفُرصَهَ بَیْنَ العَدمَین ؛آنچه گذشت، از دست رفت و آنچه می آید کجاست؟ برخیز و فرصت میان دونیستی را دریاب».(۱)

سعدیا دی رفت و فردا همچنان موجود نیست

در میان این و آن فرصت شمار امروز را

در زندگی انسان فرصت های زیادی پیش می آید که اغلب بر اثر غفلت ها و آفت امروز و فردا کردن از دست می روند. این فرصت ها می تواند لحظه ای از لحظات زندگی یا موقعیتی باشد که انسان می تواند در آن وارد تجارت عظیمی شود که قرآن کریم از آن به «تِجَارَهً لَنْ تَبُورَ»(۲) تعبیر می کند؛



---

۱- حسن دل، ص ۳۸.

۲- سوره فاطر، آیه ۲۹.

یعنی تجارتی که راه هرگونه ضرر و زیانی به رویش بسته است و منفعت آن دائمی و همیشگی است؛

همانند وقف که معامله ای پرسود و ماندگار برای انسان فراهم می آورد. مهم آن است که نباید غفلت کرد و فرصت لحظه ها را قدر دانست.

امیرمؤمنان (علیه السّلام) در نامه ای به یکی از

یارانش می نویسد: « فَتَدَارَکْ مَا بَقِي مِنْ عُمُرِکَ وَ لَاتَقُلْ غَداً اَوْ بَعْدَ غَدٍ فَإِنَّمَا هَلَکَ مَنْ کَانَ قَبْلَکَ بِإِقَامَتِهِم عَلَى الْأَمَانِي وَ التَّسوِيفِ حَتَّى اَتَاهُمْ اَمْرَاللهِ بَغْتَةً وَ هُمْ غَافِلُونَ ؛ باقیماند عمرت را تدارک کن و نگو فردا و پس فردا؛ همانا پیش از تو کسانی هلاک شدند که روی آرزوها و تأخیر انداختن کارها ایستادند، تا نا گهان امر خدا فرا رسید،

در حالی که آنان غافل بودند».(۱)



---

۱- مشکاه الأنوار، ابو الفضل علی بن حسن طبرسی، ص ۲۶۷.

## همین الان

همّ و غم های انسان در دنیا زیاد، ولی زودگذرند. مشکلات و معضلات کوچک و بزرگ پی هم می آیند و می روند. امان از آن مشکل و غمی که قابل گشایش و جبران نباشد.

این جنس غم ها زمانی دامن گیر انسان می شود که راه جبران بسته شده و بن بستی بی بازگشت جلوی انسان قرار دارد؛ از این رو تا دیر نشده باید جنبید و حرکتی کرد، چرا که امیرمؤمنان(علیه السّلام) می فرمود:« مِنْ قَصَّرَ فِی الْعَمَلِ ابْتُلِیَ بِالْهَمّ ؛کسی که در عمل کوتاهی کند، به اندوه گرفتار می شود.(۱) وقف، از جمله اعمالی است که غم و اندوه انسان را برطرف می کند؛ چه غم و اندوه لحظه جدایی از دنیا و قرارگرفتن در آستانه مرگ، یا همّ و غم آخرت؛ چرا که او با دوراندیشی و ذکاوت خود، از طریق سنت زیبای وقف، اعمال صالحی برای خود پیش فرستاده که استمرار و جریان آن تا مدت های مدید پس از مرگ می تواند واقف را از بن بست ها خالص کند و بهشت رضوان و رضایت الهی را به سمت او جلب نماید.

مهم آن است که همین الان باید از لحظه ها و زمان ها بهره جست و برای آخرت همیشگی خویش، کاری ماندگار کرد؛ چرا که عمر نا گهان به پایان می رسد و زمان و ساعت مرگ هیچ کس مشخص نیست. به همین سبب است که گفته اند خودتان با دست خودتان نیکی کنید و

به وراث و یا به بعد از مرگ محول نکنید.



---

۱- نهج البلاغه، حکمت۱۲۷.

یکی از سرمایه داران مدینه، وصیت کرد که انبار خرمای او را پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) به بینوایان انفاق کند. پس از مرگ او، رسول خدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) مطابق وصیتش، تمام خرماها را به فقرا داد، آن گاه یک عدد خرمای خشکیده و کم مغز برداشت و به مسلمانان فرمود:

«سوگند به خدا که اگر خود این مرد، این یک دانه خرما را به فقیر و گرسنه ای می داد، پاداش آن نزد پروردگار بیش از همه این انبار خرما بود که من به دست خود که پیامبر خدا هستم، به فقرا و بینوایان دادم.»(۱)



---

۱- لئالی الاخبار، ج۳، ص۱۰۱.

## فراموش شدگان

امروزه دیگر تنها فضای مجازی و مواد مخدر نیست که

انسان ها را گیج و از خود بی خود می کند؛ گرفتاری های کوچک و بزرگ زندگی آن قدر زیاد شده که هوش و حواس را از زنده ها گرفته اند، به گونه ای که دیدارها و از هم خبرگرفتن ها نیز نیازمند گذشت زمان شده است، بلکه خاطر مبارک به خود آید و یادی از دیگران کند.

در این دنیای گیج و منگ، وقتی زنده ها به همین راحتی فراموش می شوند، تکلیف مرده ها و اموات روشن است؛ همان ها که دلخوش به همسر و فرزندان و دیگر خویشاوندان و فامیل بودند، بلکه یادی از او کنند و برای گرفتاری های بسیار او، مرهمی بفرستند.

در این زمانه درهم و با این گرفتاری های خودساخته - که هر روز هم بدتر خواهد شد- چه خوب است که انسان وارثان سرزنده، با حواس و تمرکز، هوشیار و همیشگی برای خود تدارک ببیند تا ا گر همه او را فراموش کردند، باشند کسانی که او را فراموش نمی کنند و از اهدای خیرات و حسنات و ذکر فاتحه و صلوات به روح او دریغ نمی ورزند.

به راستی که وقف چه برکات ماندگار و گره گشایی هایی برای انسان به ارمغان می آورد؛ حتی بعد از مرگ نیز یاد و نام واقف برای همیشه زنده خواهد ماند و زندگی او ادامه یافته، ثواب های پیوسته برایش فرستاده می شود.

امیرالمومنین امام علی(علیه السّلام) می فرماید: «

المُحسِنُ حَیٌّ و إن نُقِلَ إلی مَنازِلِ الأمواتِ ؛

نیکوکار زنده است، هرچند به خانه ی مردگان منتقل شود.»(۱)

ص: ۵۴

---

۱- غررالحکم، ش ۱۵۲۱؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص۳۸۶.

## فصل دوم:حدیث نگار

### اشاره

ص: ۵۵

## مهمان های دنیا

پیامبر ا کرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم ):

«إِنَّ النّاسَ فِي الـدُّنيا ضَـيفٌ ، ومـا فى أيـديهم عاريهٌ، و إنَّ الضَّيفَ راحِلُ، و إنَّ العاريَهَ مَردودَهٌ؛ مردم در دنیا، میهمان هستند و آنچه در اختیار دارند، عاریت است. میهمان، رفتنی است و عاریت، پس دادنی».(۱)

## امین ائمه(علیه السّلام) باشیم!

امام صادق(علیه السّلام):

« مَیاسیرُ شیعَتِنا، أُمَناؤُنـا عَلی مَحاویجِهِمْ ، فَاحفَظُونا فِیهم یَحْفَظْکُمْ اللهُ؛ توانمنـدان شیعیان ما، برای نیازمنـدانشان، امین های ما هستند؛ زیرا مـا را در بین آنـان حفـظ می کننـد؛[ یعنی ، بـا بـذل مالشـان، آنهـا را، همچنـان پیرو ما نگاه می دارنـد] خداونـد، توانمندان دلسوز را حفظ می کنند؛ ».(۲)

ص: ۵۶

---

۱- إرشاد القلوب، ص۲۳.

۲- کافی، ج۲، ص۲۶۵.

## ای که دستت می رسد کاری بکن!

امام علی(علیه السّلام):

«أَلَا وَ إِنَّ اَلْيَوْمَ عَمَلٌ وَ لَا حِسَابُ وَ غَداً حِسَابٌ وَ لَا عَمَلَ؛

بدانید که امروز زمان عمل است و بازخواستی نیست، و فردا روز بازخواست و حسابرسی است وعملی در آن میسّر نخواهد بود».(۱)

## روز بازخواست!

امام حسین(علیه السّلام):

« مالُکَ اِن لَم يَكُن لَكَ كُنتَ لَهُ مُنفِقاً فَلا تُنفِقهُ بَعدَكَ فَيَكُن ذخيرَةً لِغَيرِكَ وَ تَكُونُ اَنتَ المُطالَبَ بِهِ، اَلمَأخُوذَ بِحِسَابِهِ؛

مال و اموال تو ا گر برای تو و به نفع تو نباشد، بایـد آن را انفاق کنی؛ چون آن اموال را بعـد از مرگت دیگر نمی توانی انفاق کنی و برای دیگران می شود؛ مالی را که برای دیگران گذاشته ای، ولی از تو حسابرسی و بازخواست خواهد شد».(۲)



---

۱- نهج البلاغه، خطبه ۴۲.

۲- بحار الانوار، ج۷۵، ص۱۲۸؛ میزان الحکمه، ج۱۱، ص ۱۷۰.

## به شیطان فرصت خودنمایی نده!

امام علی(علیه السّلام):

َ«إِیَّاکَ و الاِعْجَابَ بِنَفْسِکَ ، وَالثِّقَهَ بِمَا یُعْجِبُکَ مِنْهَا، وَ حُبَّ الْإِطْرَاءِ ، فَإِنَّ ذَ لِکَ مِنْ أَوثَقِ فُرصَ الشِّیطَانِ فِی نَفْسِهِ ، لِیَمْحَقَ مَا یَکُونُ مِنْ إحْسَانِ الْمُحْسِنِینَ؛

مبادا که از خودت خوشت بیاید و به آنچه موجب اعجاب تو از آن می گردد، اعتماد کنی و شیفته ستایش خود گردی؛ چرا که این از محکم ترین فرصت های شیطان است، تا آثار نیکی نیکوکاران را نابود کند». (۱)

## چهار نشانه اهل بهشت

امام صادق(علیه السّلام):

«انَّ لاِهْلِ الْجَنَّهِ اَرْبَعَ عَلاماتٍ : وَجْهُ مُنْبَسِطُ وَ لِسانُ لَطیفُ وَ قَلْبُ رَحیمُ وَ یَدُ مُعْطِیَهُ؛

بِهشتی ها چهار نشانه دارند: روی گشاده، زبان نرم، دل مهربان و دست دهنده و بخشنده».(۲)



---

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳

۲- مجموعه ورام، ج ۲ ، ص ۹۱

## به رسم اهل ایمان

امام حسن مجتبی(علیه السّلام):

« یَابْنَ آدَمَ! لَمْ تَزَلْ فی هَدْم عُمْرِکَ مُنْذُ سَقَطْتَ مِنْ بطن اُمِّکَ ، فَخُذْ مِمّا فی یَدَیْکَ لِما بَیْنَ یَدَیْکَ ، فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ یَتَزَوَّدُ و الْکَافِرُ یَتَمَتَّعُ؛ ای انسان! از موقعی که به دنیا آمده ای، در حال گذراندن عمرت هستی ، پس از آنچه داری برای آینده ات (قبر و قیامت)ذخیره نما، همانا که مؤمن در حال تهیه زاد و توشه می باشد، ولی کافر در فکر لذّت و آسایش است».(۱)

## نگو بعداً وقف می کنم!

حضرت علی(علیه السّلام):

«کَمْ مِنْ غافِلٍ یَنْسَجُ ثَوباً لِیَلْبِسَهُ وَ اِنَّما هُوَ کَفَنُهُ ، وَ یَبْنی بَیْتاً لِیَسْکُنهُ وَ اِنَّما هُوَ مَوْضِعُ قَبْرِه؛

چه بسیار غافلانی که لباسی برای پوشیدن تهیّه می کنند، امّا همان لباس کفن آن ها می شود، و خانه ای برای سکونت می سازند و آن خانه قبر آنها می گردد».(۲)

ص: ۵۹

---

۱- نزهه الناظر و تنبیه الخواطر، ص ۷۹ ؛ بحارالأنوار، ج ۷۵ ، ص ۱۱۱ ، ح ۶.

۲- بحار الانوار، ج۷۴، ص۳۸۲.

## مالت را بخور!

امام حسین(علیه السّلام):

«اِعلَم اَنَّکَ لاتَبقی لَهُ وَ لاَیَبقی عَلَیکَ فَکُلهُ قَبلَ اَن یَاکُلَکَ؛ بـدان که ثروت و دارایی برایت نمی مانـد، پس به مالت رحم نکن؛ زیرا او به تو رحم نمی کند و پیش از آنکه او تو را بخورد، تو آن را بخور!».(۱)

## دعای خیر

امام سجاد(علیه السّلام):

« اللَّهُمَّ ... ازْو عَنِّی مِنَ الْمَـالِ مَـا یَحْـدِثُ لِی مَخِیلَهً وَ اجْعَـلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجِّلْتَ لِی مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَهً إِ لیَ جِوَارِک وَ وُصْلَهً إِلَی قُربِک وَ ذَرِیعَهً إِ لَی جَنَّتِک؛

بارالهـا! خر ج کردن مـالم را متوجه برنـامه هـای خیر فرمـا و آنچه از توشه نـاچیز دنیا به من داده ای، و هر متاعی از آن که در همین دنیا به من عطا فرموده ای، وسیله رسیدن به جوار خود، و پیوستن به مقام قرب، و سبب رسیدن به بهشت قرار بده».(۲)



---

۱- بحارالانوار، ج۷۵، ص۱۲۸؛ میزان الحکمه، ج۱۱، ص ۱۷۰.

۲- فرازی از دعای ۳۰ صحیفه سجادیه.

## فصل سوم : ایجاد وقف

### اشاره

ص: ۶۱

## چگونه وقف کنیم؟

### اشاره

ا کنون که بـا وقف، آثار و فضائلش آشـنا شـدیم، هر کس به وقف کردن و واقف شـدن عشق و علاقه پیـدا کرده، بایـد عجله کند. درنگ جایز نیست، باید شـتاب کرد؛ چرا که شـیطان حیله گر به کمین نشسته و همین که کسی برای کار خیر اراده کند، با هزار مکر و حیله، با قیافه ای خیرخواهانه، هرطور شده می خواهد راهش را سد نموده، مانع انجام کار خیر او شود.

شیطان برای منصـرف نمودن افراد مؤمن از وقف کردن، از اسـلحه های زیادی اسـتفاده می کنـد؛ گاه با سـلاح تهدید به فقر و نشان دادن آینـده ای تاریک، گاه با زیبا جلوه دادن محبت زن و فرزند، گاه با اسـلحه ی جمع مال و تکاثر و گاه با ... خلاصـه هرطور شده نمی خواهد کسی به افتخار واقف شدن نائل آید.

از سوی دیگر، انسان اجلی دارد که در پی اوست. زمان رفتن و مردن مشـخص نیست. به عمر نیامـده نباید دل خوش بود و دل بست. فرصت زندگی امروز را باید غنیمت شمرد؛ زیرا هیچ کس نمی داند فردایی برای زندگی در دنیا دارد یا نه.

قرآن کریم نیز در سبقت به کار خیر تأ کید کرده و اهل بیت (علیهم السّلام) عجله در کار خیر را توصیه نموده

و آن را یکی از شرایط اتمام احسان و کار خیر شمرده است.

حال هرکس می خواهد به خیل واقفان بپیوندد بسم الله. تا دیر نشده و فرصت از دست نرفته، باید اقدام کرد.

کافی است سری به یکی از ادارات اوقاف و امور خیریه ی محل زندگی خود زد و با پرکردن

ص: ۶۲

«سند وقف»، که «سند عاشقی» است، نام خود را ماندگار و جاودانه نمود. در هر شهر و شهرستانی

که باشید، می توانید با در دست داشتن مدارک معتبر شناسایی خود و همچنین سند مالکیت آنچه را که می خواهید وقف کنید، به نزدیک ترین اداره ی اوقاف و امور خیریه رفته، دفترچه ی وقف نامه را پُر کنید و با وقف کردن بخشی از دارایی خود، آن را ماندگار نمایید.

مهم ترین نکاتی که وقف کنندگان و خیران، قبل از وقف باید بدانند:

### ۱. معین کردن پیگیری کننده ی ثبت وقف:

باید مشخص شود فردی که می خواهد وقف را انجام دهد کیست؟

آیا مالک حقیقی خودش می خواهد وقف کند یا نماینده و وکیل قانونی او.

### ۲. تعیین نوع مال:

یعنی منقول است یا غیرمنقول، عرصه یا اعیان؛ البته در وقف پول بین مراجع معظم تقلید اختلاف نظر است.

### ۳. تعیین تولیت موقوفه:

یعنی واقف باید متولی وقف (حقیقی یا حقوقی) را مشخص کند. در صورت عدم تعیین متولی، تولیت موقوفه براساس قانون با اوقاف است.

### ۴. تعیین ناظر بر موقوفه:

این مورد الزامی نیست؛ ولی تعیین ناظر بهتر است؛ البته سازمان اوقاف به صورت استصوابی بر موقوفات نظارت دارد.

ص: ۶۳

### ۵. تعیین مورد مصرف:

واقف باید محل و مورد مصرف عین یا منافع موقوفه را کامل و واضح معین کند.

در صورت عدم تعیین، طبق قوانین مصوب عمل می شود.

اولویت سنجی در نیات، یعنی به نیاتی که بیشتر مورد نیاز جامعه بوده و اثربخشی آن زیادتر است، توجه شود.

### ۶. جاری کردن صیغه ی وقف:

یعنی با عبارتی به صورت زبانی یا کتبی یا عملی که حاکی از وقف باشد، به وقف مال مورد نظر اقدام شود.

### ۷. ذکر شروط وقف:

قبل از جاری کردن صیغه ی وقف، نسبت به درج شرایطی که لازمه ی وقف است، اقدام گردد؛

به عنوان مثال: برای وقف مسجدلازم است از همان ابتدا مساحتی با تعیین طبقه ی مورد نظر، به عنوان مسجد مشخص شود و ملزومات موقوفه از قبیل سرویس بهداشتی، سالن اجتماعات یا پذیرایی، آشپزخانه، واحدهای فرهنگی، واحدهای مسکونی برای خادم یا امام جماعت یا مبلغ و دفتر مدیریت، واحدهای تجاری و نیازهای دیگر، به همراه تعیین محدوده ی آن در وقف نامه تصریح شود.

در صورت تعیین شروط ضمن عقد، شروط به صورت واضح و روشن در وقف نامه ذکر گردد و از در ج شروط مبهم و مشکل ساز، خودداری شود.

### ۸. اقباض:

به قبض دادن موقوفه، یعنی متولی وقف موقوفه را در اختیار بگیرد.

### ۹. عمل به نیت وقف:

برای تحقق وقف، عمل به نیت واقف (انتفاعی یا منفعتی) لازم است.

### ۱۰. بقای موقوفه:

درآمد موقوفه ابتدا برای احیا، بقا و نگه داری موقوفه هزینه می شود. سعی شود برای بقای هر موقوفه، محل درآمدی در نظر گرفت.

### ۱۱. تعیین حق التولیه یا حق النظاره:

یعنی متولی باید میزانی از درآمد موقوفه را برای حق التولیه یا حق النظاره مشخص کند. در صورت عدم تعیین، براساس قانون عمل خواهد شد.

### ۱۲. ضرورت تعیین تکلیف ابهام املاک:

املاکی که در طرح شهرداری (مانند تعریض جاده یا خیابان و...) قرار دارند، پس از تعیین تکلیف با شهرداری و اصلاح سند، نسبت به وقف میزان باقی مانده اقدام گردد.

### ۱۳. تأ کید بر اخلاص:

سعی شود در انجام وقف، اخلاص عمل مورد نظر باشد؛ به گونه ای نباشد که با وقف، موجبات تضییع حقوق عده ای فراهم شود.

وقف با طیب خاطر و بدون ا کراه و اجبار صورت گیرد و باعث تبعات ناخوشایند بعدی نباشد؛

برای مثال، زندگی خود یا فرزندان و خانواده اش دچار مشقت نشود.

### ۱۴. تنظیم وقف نامه ی رسمی:

لزوماً و در صورت امکان، وقف به صورت رسمی و قانونی در یکی از دفاتر ثبتی صورت گیرد.

بایـد توجه داشت که بعـد از انجـام مراحـل وقف و تنظیم وقف نـامه (رسـمی یـا عادی) و تحویل موقوفه به متولی وقف، دیگر امکان ابطال وقف نامه یا تغییر در مورد مصرف یا شرایط وقف و مندرجات آن توسط واقف وجود ندارد؛ البته در شرایط ویژه و با حکم مراجع قضایی، ابطال وقف نامه ممکن خواهد بود.

### ۱۵. در ج مشخصات کامل:

مشخصات کامل واقف، متولی، ناظر و ملك مورد وقف به همراه آدرس دقیق در وقف نامه ذکر شود.

### ۱۶. رابطه ی واقف و موقوفه:

با انجام وقف، مال وقف شـده از تحت تصـرف و مالکیت واقف خار ج می شود و چون واقف دیگر مالك نیست و نمی تواند مـال موقوفه را به دیگری انتقـال دهـد، وا گـذاری موقوفه به صورت بهره برداری از منـافع عین ممکن است (در قالب اجاره وا گذاری به صورت تملك اعیان و...).

### ۱۷. وقف ملک مشاع:

ا گرچه وقف به صورت مشـاعی صـحیح است، بهتر است در املاـکی که امکـان افراز وجود دارد، قبل از وقف نسـبت به افراز اقدام شود.

ص: ۶۶

## فصل چهارم: احکام وقف

۱. آیا در موارد وقف باید حتماً صیغه وقف به عربی خوانده شود یا نیت وقف از سوی بانی کافی است؟

در وقف بر مصالح عامه معاطات کافی است و در صیغه وقف عربیت شرط نیست.

۲. پدر بزرگ حقیر حدوداً هفتاد سال پیش باغ انگوری را با زبان آذری وقف کرده اند و با صیغه ی مخصوص ادا نکرده اند، بلکه گفته اند من این باغ را وقف کردم تا هر چقدر درآمد داشته باشد، صرف مخارج امام حسین(علیه السّلام) بشود. آیا وقف صحیح است؟

به هر زبانی وقف کرده باشد و تحویل متولی وقف داده باشد، صحیح است و باید طبق آن عمل شود.

۳. زمینی وجود دارد که مالکش آن را در حضور عالم منطقه و دو نفر شاهد عادل برای ساختن مسجد وقف کرده است و بعد از مدتی اشخاصی بر آن تسلط پیدا کرده و خانه های مسکونی در آن بنا نموده اند، وظیفه ی آن اشخاص و متولی چیست؟

ا گر بعد از انشاء وقف زمین، قبض عین موقوفه با اذن واقف تحقق پیدا کرده باشد، همه ی احکام وقف بر آن مترتب می شودو ساخت خانه های مسکونی توسط دیگران در آن برای خودشان غصب است و بر آنان واجب است ساختمان خود را از بین ببرند و زمین را تخلیه کنند و به متولی شرعی آن تحویل دهند و در غیر این صورت، زمین بر ملك مالك شرعی آن باقی و تصرفات دیگران در آن متوقف بر اجازه ی مالك است.

۴. سال۱۳۶۴ اینجانب زمینی را طی سند رسمی به وقف حوزه ی علمیه درآوردم که آقای امام جمعه محترم، ساختمان آن را بسازند و مورد استفاده طالب قرار گیرد، متأسفانه از آن تاریخ تاکنون هیچ گونه عملی روی زمین انجام نگرفته و به وقف عمل نشده و کار دیگری هم روی زمین به خاطر وقف مورد نظر نمی شود انجام داد و زمین بدون استفاده مانده، حال با گذشت سیزده سال و عمل نشدن به وقف و با توجه به این که هیچ گونه امیدی هم به ساختن آن نمی رود و مسئله منتفی شده، آیا زمین به

وقفیت خود باقی است یا قابل عودت است؟

ا گر زمین قبض نشده وقف تحقق نیافته و اختیار آن با خود شماست و ا گر تحویل داده شده وقف تمام و قابل تغییر و تبدیل و عودت نیست.

۵. کسی که در مکانی زند گی می کند که وقف نامه ای دارد، مثلاً طبق وقف باید فرد هر روز یک جزء قرآن بخواند، ولی به آن عمل نکرده، وظیفه ی او چیست؟

تخلّف از مورد و جهت وقف حرام است و نمی تواند در مکان مذکور تصرف نماید.

۶. آیا جنگل ها و مراتع طبیعی که انسان دخالتی در ایجاد آن ها ندارد و همان گونه که اصل چهل وپنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح کرده از انفال محسوب می شوند، قابل وقف هستند؟

در صحّت وقف، سابقه مالکیت شرعی خاص واقف شرط است و چون جنگل ها و مراتع طبیعی ، که از انفال و اموال عمومی هستند، ملک خاص کسی نیستند، درنتیجه وقف آن ها توسط هیچ فردی صحیح نیست.

۷. زمینی که در اصل جنگل بوده توسط شخصی تصرف و بعداً وقف گردیده و برای کارهای عام المنفعه در اختیار اشخاص قرار گرفته است، آیا این وقف صحیح است و می توان عرصه و اعیان را وقف نماید؟

ا گر با اجازه ی مقام مسئول ذی ربط احیاء کرده و مالك شرعی آن شده است، می تواند آن را وقف کند.

۸. باری حقیر صاحب پنجاه درصد کارخانه ای به طور مشاع هستم و قصد دارم قدر سهم خودم را برای امورخیریه وقف نمایم، آیا مشاع بودن قدر سهم اینجانب مانع وقف شدن است یا خیر؟

وقف مال مشاع صحیح است.

۹ . آیا جایز است بعضی از ورثه که در ترکه سهم دارند، همه ی آن را وقف کنند و آیا اجرای صیغه ی وقف به نام آن عدّه صحیح است؟

وقف ایشان فقط در سهم خودشان از ترکه صحیح است؛ ولی نسبت به سهام سایر ورثه فضولی و متوقف بر اجازه ی آنان است.

۱۰. مستدعی است نظر مبارک نسبت به سؤال ذیل بیان فرمایید:

آیا سفره ی آبی موجود زیر اراضی موقوفه تابع وضع زمین (وقف) است یا نه؟

آب زیر زمین وقفی حکم وقف را ندارد، بلی ا گر چاه در زمین وقفی حفر شده باشد حکم وقف دارد.

۱۱ . در بعضـی از زمین هـای وقفی نهرها یا مسـیل هایی وجود دارد که سـنگریزه ها و سـنگ های معـدنی در آن ها یافت می شود، آیا این سنگریزه ها و سنگ های موجود در آن ها که در ملک موقوفه واقع شده اند، تابع وقف هستند؟

نهرهـای بزرگ عمومی و همچنین مسـیل هـای عمومی که در مجـاورت زمین هـای وقفی هسـتند یـا از داخـل آن ها عبور می کننـد،جزء وقف نیسـتند، مگر آن مقـداری از آن هـا که از نظر عرف، حریم موقوفه محسوب می شونـد، درنتیجه با آن مقـدار همانند وقف رفتار می شود؛ ولی در نهرهای کوچکی که موقوفه هستند واجب است نسبت به سنگریزه ها و سنگ های معدنی و غیره مانندوقف

رفتار شود.

۱۲. وسایلی که برای حسینیه یا مسجد وقف شده، آیا افرادی که در مسجد و حسینیه خدمت می کنند

می تواننـد آن وسایـل را به مجـالس عروسـی یا به مجالس ولیمه در خانه ها یا مجالس ختم اموات امانت بدهنـد و در قبال آن پولی برای مخار ج مسـجد یا حسـینیه دریافت کنند یا نه؟ ضـمناً آیا ظروفی که وقف است در مسجد و حسینیه بلکه در خانه ها آیا همین حکم را دارند یا نه؟

امر وقف با متولی شرعی آن و با نبود متولی خاص با حاکم شر ع است و با اجازه ی او باید در جهت وقف از آن استفاده شود و نبایـد تغییر بدهند، پس ا گر وقف برای اسـتفاده از آن در حسـینیه و مسـجد شده نمی تواند به جای دیگری ببرند، حتی ا گر پول هم بگیرند.

ص: ۷۱

۱۳ . واقفی نصف ملک موقوفه خود را به کسی بخشیده (این مسئله هفتاد سال پیش ر خ داده)، تولیت این ملک موقوفه با اولاد ذکور می باشد، حال آیا آن شخص می تواند ملک را به نوه اش ببخشد یا خیر؟

ملک موقوفه و همچنین تولیت موقوفه قابل بخشش به دیگران و انتقال به غیر نیست، بلکه باید در موقوفه بر طبق آنچه واقف تعیین کرده است عمل نمایند.

۱۴. به دلیل خالی شدن این محل از سکنه حسینیه دیگر هیچ فایده ای ندارد؛ یعنی دیگر آن جا حسینیه ای بنا نمی شود مقداری آهن به جا مانده است هیئت عزاداران علی اصغر علیه السلام تصمیم گرفتند که یک انباری جهت وسایل هیئت درست کنند، آیا اجازه می فرمایید از این آهن حسینیه مخروبه استفاده کنند یا حکم چیزی دیگر است؟

ا گر آهن ملک اشخاص است باید رضایت آنان تحصیل شود و چنانچه متعلق به حسینیه است، در صورتی که استفاده از آن ها در این حسینیه ممکن نیست باید در حسینیه دیگر از آن ها استفاده شود، والله العالم.

۱۵ . آیا وقف از کسی که ا کراه بر آن شده، صحیح است؟

ا گر واقف ا کراه بر وقف شده باشد، تا زمانی که اجازه ی او به آن ملحق نشود، وقف صحیح نیست.

ص: ۷۲

۱۶. نحوه ی وا گذاری زمین برای احداث مسجد و حسینیه از طرف مالکان حقوقی چگونه است؟

وقف اموال از سوی مالک حقوقی مثل وقف املا ک دولتی به وسیله ی دولت با لحاظ شرایط لازم، جایز است.

۱۷. افراد خیری طی وقف نامه های عادی اقدام به ایجاد موقوفات و رقباتی نموده تا عواید آن ها در امور خیر هزینه گردد، با عنایت به عدم دوراندیشی لازم در مفاد وقف نامه درخصوص کیفیت هزینه ی این عواید رعایت مصلحت و غبطه وقف ملحوظ نگشته، حال واقف متوجه نواقص وقف نامه گردیده و به منظور مصلحت وقف باید وقف نامه اصلاح گردد. با عنایت به این که واقف در قید حیات بوده، استدعا داریم جواز یا عدم جواز اصلاح وقف نامه را امر به ابلاغ کنید.

بعد از وقف و تحقق قبض معتبر در آن واقف نسبت به وقف اجنبی می شود و حق تغییر وقف ولو به عنوان اصلاح را ندارد، والله العالم.

۱۸. ا گر افرادی به جمع آوری پول از نیکوکاران و خرید خانه به قصد حسینیه اقدام کنند، آیا اقدام آنان برای جمع آوری پول برای این کار کافی است تا حق وقف آن خانه را به عنوان حسینیه داشته باشند یا باید برای این کار از صاحبان پول ها وکالت بگیرند؟ و از آن جا که در واقف شرط است که یا مالک باشد یا در حکم مالک و این افراد مالک نیستند، آیا به صرف جمع آوری پول توسط آنان، بر آنان حکم مالک صدق می کند تا حق وقف داشته باشند؟

ا گر از طرف افراد خیر وکیل باشند تا خانه را بعد از خرید، به عنوان حسینیه وقف کنند، وقف آنان به وکالت از مالکین صحیح است.

۱۹. از مال دنیا یک خانه ی مسکونی و یک باب مغازه دارم که درآمد آن کمک خرجی ام است، می خواهم وصیت نمایم با توجه به این که بیش از یک سوم اموالم را نمی توانم وصیت کنم آیا می توانم هم ا کنون که زنده هستم مغازه ام را وقف نمایم، مشروط بر این که بعد از مردنم اجاره ی آن را بین طلبه هایی که در شهر خودمان درس می خوانند تقسیم شود و کتاب خریداری نمایند و اما منزلم را به فرزند خوانده ام ببخشم مشروط بر این که تا زنده هستم در آن بنشینم و بعد از مردن، مال او باشد.

می توانید مغازه را در حال حاضر وقف و منافع آن را مادام الحیات استثناء کنید و نیز می توانید منزل را به استثنای منافع به هر فردی ببخشید؛ البته مشروط به این که قبض و اقباض به نحو معتبر شرعی انجام گردد و در زمان زندگی اختیار اموال تان با خودتان است.

۲۰. آیا راهی وجود دارد (شرعاً) که انسان بتواند مادام العمر الی الابد از زیر بار مسئولیت تولیت خار ج

شود؟

اگر تولیت را قبول کرده راهی ندارد و می تواند کمک بگیرد.

۲۱. چنانچه مستأجران موقوفات از پرداخت حقوق وقف امتناع ورزند، آیا اداره ی اوقاف شرعاً مکلف به اقدام وصول حق موقوفه است، هرچند از طریق محاکم قضایی به دخالت قوای انتظامی منجر گردد یا در حد ابلاغ و استدعا، رفع تکلیف می شود؟

مسئول شرعی اداره ی امور موقوفه موظف است در صورت نیاز، از طرق قانونی اقدام به حفظ و احیا و احقاق تمام حقوق موقوفه نماید.

ص: ۷۴

۲۲ . واقف چندین سال است که متولی را مشخص نموده و برای آینده (تا قیامت) نیز تکلیف را روشن کرده است. آیا در صورت عدم خلاف می تواند متولی را عوض کند؟

ا گر متولی در ضمن وقف تعیین شده، نمی تواند او را عوض کند و واقف حکم اجنبی را دارد مگر این که در وقف برای خود حقی قرارداده باشد.

۲۳ . ولایت تصرّف برای حفظ و تعمیر و اصلاح و جمع آوری نذورات و تبرّعات مرقدهای فرزندان ائمه (علیهم السّلام)

که در شهرها و روستاهای ایران هستند و سال های زیادی بر آن ها گذشته و وقف خاص هم نیستند و متولّی خاصی هم ندارند، با چه کسی است؟ آیا کسی حق دارد مالکیت زمین مرقد و حرم فرزندان ائمه (علیهم السّلام) را که از زمان های قدیم محل دفن اموات بوده، ادعا کند؟

تولیت بقاع مبارکه و اوقاف عام که متولّی خاصی ندارند با حاکم و ولی امر مسلمین است و این تولیت در حال حاضر به نماینده ولی فقیه در اداره ی اوقاف و امور خیریه وا گذار شده است و زمین صحن و مرقد فرزندان ائمه (علیهم السّلام) و حرم ایشان که از زمان های گذشته برای دفن اموات مسلمانان در نظر گرفته شده، حکم وقف عام را دارد مگر آن که خلاف آن از طریق شرعی نزد حا کم

ثابت شود.

۲۴. آیا جایز است اداره ی اوقاف جمهوری اسلامی متولّی وقف را برکنار کند؟ و در صورتی که جایز باشد شرایط آن چیست؟

اداره ی اوقاف به مقداری که مقررات قانونی به او اجازه می دهد حق دارد در وقف هایی که متولّی خاصی دارند، دخالت نماید.

ص: ۷۵

۲۵. ا گر فردی برای روشن شـدن تخلف موقوفه ای تلاش کنـد، ولی اداره ی اوقاف با او همکاری نکنـد وظیفه ی شـرعی این فرد چیست؟

موارد را به صورت مستند به مقامات بالاتر گزارش نماید.

۲۶. با توجه به این که اداره ی اوقاف مسئولیت درآمد زیارتگاه ها و مغازه های مساجد را به عهده دارد،

آیا هیئت امنای مسجدی می توانند وجود مغازه های مسجد را کتمان نموده، به اطلاع اداره ی اوقاف

نرسانند و بدون هماهنگی با اوقاف درآمد حاصله را خرج کنند؟

امر وقف با متولی شرعی آن است و غیر متولی حق دخالت ندارد.

۲۷. در وقف نامه مکان مصـرف منافع مورد وقف در همان روسـتا ذکر شـده، بنا بر حوادثی که پیش آمـده، آیا مصـرف منافع مورد وقف در غیر محل جایز است یا خیر؟

الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها به هرطور وقف شده باید به همان طور عمل شود و تغییر جایز نیست، والله العالم.

۲۸. موقـوفه ای اسـت که مصـرف آن کمـک به زواری است که عـازم کربلاـی معلی باشـند. به لحـاظ این که سـال هـا اسـت مصـرف این موقوفه معطـل مانـده، مسـتدعی است اجـازه فرماینـد از بـاب اقرب به نظر واقف عوایـد مـذکور موقتـاً به زوار امام رضا(علیه السّلام) کمک شود.

با امکان عمل به وقف ولو به مصـرف در زواری که فعلاً به کربلا مشـرف می شونـد (در صورت موافقت با جهت وقف) نباید تغییر دهند.

ص: ۷۶

۲۹. آیا می توان از محل درآمدهای حاصله از موقوفاتی که طبق نظر واقف بایست برای برگزاری مجالس سوگواری حضرت ابا عبدالله الحسین(علیه السّلام) در ماه محرم و صفر هزینه شود، مبلغی را بابت دیه و خون بهای متولی و اولاد واقف هزینه نمود؟

عوائد وقف باید در جهت وقف صرف شود و صرف در غیر آن جایز نیست، والله العالم.

۳۰. اگر مکانی برای تعلیم و تحصیل علوم دینیه وقف شده باشد، آیا با وجود طالب مشغول به تحصیل در آن مکان، جایز است افراد عادی و مسافران از امکانات آنجا استفاده کنند؟

اگر آن مکان وقف خصوص طالب علوم دینی و یا به منظور تدریس و تحصیل علوم دینی در آن باشد، جایز نیست دیگران از آنجا استفاده کنند.

۳۱. توقیراً برخی از متصرفین موقوفات افراد فقیر و بی بضاعت و عیالوار و بعضاً از خانواده ی محترم

شهدا و ایثارگران هستند. آیا اداره ی اوقاف می تواند بنا بر دلایل فوق طلب موقوفه را در غیر جهت نظر

واقف در حق چنین افرادی ببخشد یا در مال الاجاره موقوفه در این رابطه تخفیفی قائل شود؟

از وقف باید در همان جهت وقف استفاده شود و تغییر ندهند.

۳۲. یک سری از اراضی مشهور به اراضی موقوفه هستند، لکن دارای مدرک و سند نیستند یا اگر هم

اسنادی هست ناقص است، اولاً آیا شهرت این گونه اراضی به موقوفات کفایت می کند یا خیر؟ ثانیاً آن

اراضی که در اختیار متولیان موقوفه و زارعین است و آن را کشت می کنند با توجه به این که هر دو گروه اقرار به وقف می کنند آیا اقرار آن ها به وقف در اثبات وقفیت کفایت می کند یا خیر؟

شایع بودن و شهرت به وقف که مفید اطمینان است کفایت می کند و اقرار به وقف برِعلیه خود مُقر نافذ است.

۳۳ . اراضـی و باغاتی که شـهرت در وقف دارد، هم ا کنون به خاطر آن که مدرک کتبی و وقف نامه ای در دست نیست عده ای اصـل وقف بودن آن را زیر سؤال برده و می گوینـد وقف نیست و از پرداخت مال الاجاره به اداره ی اوقاف خودداری می کنند، مسـتدعی است نظر مبارک را در مورد این اراضی و باغات بیان کنید، خداوند سایه حضرتعالی را بر سر مسلمین مستدام بدارد.

مـدرک وقف نـامه میزان نیست، ا گر سابقه عمل بر وفق وقفیت دارد و یا در بین معمرین و مؤمنین اهل محل اشـتهار به وقفیت دارد حکم و آثار وقف بر آن مترتب است و تصرفات در آن موقوف بر اذن و اجازه متولی شرعی موقوفه است.

۳۴ . حد فاصل یک باب منزل موقوفه و منازل شخصی همسایگان دالانی وجود دارد که از قدیم تا به

حال به صورت انبار منزل موقوفه مورد استفاده بوده، براساس محدوده ی ثبتی محل مذکور مشکوک

است، ا کنون برخی از همسایگـان مـدعی عـدم وقفیت محل مـذکور هسـتند و برخی تقاضای خریـد آن محل را برای احـداث راهرو برای منزل خود دارند، مستدعی است حکم شرعی مسئله را بیان کنید.

وقـف قابـل خریـد و فروش و وا گـذاری به غیر نیست و بـا فرض این که درگذشـته محلی در تصـرف وقـف بـوده و در جهت موقوفه استفاده می شد، محکوم به وقفیت است مگر آن که خلاف آن اثبات شود.

ص: ۷۸

۳۵. املاکی (باغ) است که بیش از صد سال است بین مردم خرید و فروش می شود و ا کنون مالکیت

آن ، که به نام تعداد زیادی از اهالی آن منطقه می باشد، موجود است. آیا کسی با ارائه ی کپی وقف نامه

بدون سند اصلی می تواند مدعی وقفیت این املاک شود؟ در فرض ثبوت وقفیت این املاک در سابق،

جایز است این املاک را از متصرفین خار ج کرد یا نه؟

ا گر از کپی وقف نـامه اطمینـان به وقفیت زمین حاصـل می شود یـا شـهرت به وقفیت داشـته باشـد، زمین و املاک محکوم به وقفیت است. بر فرض ثبـوت وقفیت واجب است به حـال خـود بر گردد و از وقفیت خـارج نشـده است و تصـرف در آن حکم غصب دارد.

۳۶ . در رژیم طاغوت در جریان اصـلاحات ارضـی موقوفات را اعم از عام و خاص از ید متولیان و ادارات اوقاف و امورخیریه خـار ج و بـدون در نظر گرفتن شـرایط موقوفـات به زارعین صـاحب نسق وا گـذار گردیـد، با توجه به موارد فوق الـذکر مورد استفتاء از محضر مبارک این است که: آیا کسی

می تواند با توجه به سند اصلاحات ارضی خود را مالک دانسته، مجدداً موقوفات را وقف و متولی تعیین کند؟

حکم کلی مسـئله روشن است که موقوفـات بایـد در جهت وقـف و زیر نظر متولی شـرعی مصـرف شود و تغییر و تبـدیل آن و وقف مجددش جایز و صحیح نیست؛ ولی مسائل نزاعی باید در داد گاه حل شود.

۳۷. قسمتی از اراضی محل که برای مصارف خاصی قبلاً وقف گردیده، اخیراً یک نفر بانی خیر به لحاظ نیاز و ضرورت و اهمیت موضوع، حاضر شده با پرداخت قیمت مناسب اراضی مذکور را تصرف و برای ساخت کتاب خانه و تأسیسات فرهنگی، به شدت مورد نیاز این محل است وقف نماید.

مستدعی است اجازه ی امر را صادر فرمایند

اراضی مذکوره در همان جهتی که از اول وقف شده باید مورد استفاده قرار گیرد و انتفاع از آن ها در غیر جهت وقف جایز نیست؛ ولی طبق مصلحت وقف و نظر متولی، اجاره دادن زمین هایی که وقف منفعت باشد و نه وقف انتفاع و صرف عواید آن در جهت وقف، مانعی ندارد؛ ولی لازم است

به گونه ای باشد که وقف بودن زمین ها برای کتاب خانه فراموش نشود و در هر صورت وقف مجدد صحیح نبوده و باطل است.

۳۸. قطعه زمینی از طرف جد ما وقف سیدالشهداء(علیه السّلام) شده است که نیت بر این بوده است که مقدار

سی کیلو گندم حاصله از این زمین در ایام محرم صرف عزاداری اباعبدالله الحسین(علیه السّلام) شود؛ اما

این زمین فعلاً وسط روستا قرار گرفته و هیچ گونه استفاده ای از آن نمی شود، با توجه به این که زمین موقوفه وسط محل واقع شده است، مردم روستا به دلیل عبور و مرور می خواهند مسیر جاده را اجاره کنند و سالانه مقدار موقوفه را پرداخت نمایند.

بستگی به چگونگی وقف دارد، ا گر به طور کلی وقف سیدالشهداء(علیه السّلام) نموده باشد،

اجاره دادن آن و صرف وجوه در مسیر وقف مانع ندارد.

۳۹ . شخص بلاوارثی در زمان حیات خود کلیه اموال منقول و غیرمنقول خود را وقف بر مصارف عامه می نماید و به آن عمل شده و می شود، از موارد وقف یکی سرقفلی مغازه ی ایشان است که مالکیت آن به دیگران تعلق دارد ا کنون جهت رفع کدورت میان مالك و متولی بیان فرمایند آیا سرقفلی مغازه می تواند مورد وقف قرار گیرد یا نه؟

ضمن این که بهای سرقفلی توسط واقف مرحوم به مالك پرداخت شده است.

وقف سرقفلی محل اشکال است، لکن نگهداری این حق و استفاده از درآمد آن در راه خیر مانعی ندارد.

۴۰. مستأجرین موقوفات به استناد این که سال های متمادی سابقه ی تصرف در رقبه های وقف را دارند، اجاره ای ناچیز و کمتر از نرخ عادلانه روز به اوقاف پرداخت می کنند، آیا صرف سابقه ی استیجار برای مستأجرین موقوفات تا چه حد ایجاد حق نموده که جزء حقوق مکتسبه محسوب گردد؟

مجرد سابقه ی استیجار موجب استحقاق تخفیف در اجاره بهاء موقوفه نیست و متولی شرعی موظف است در تجدید قرارداد اجاره با ملاحظه غبطه و مصلحت وقف، اجاره بهاء عادله تعیین و مطالبه نماید.

۴۱. آیا شخصی که روی زمین موقوفه به کشت و زرع مشغول است می تواند آن را بفروشد یا بعد از فوت می توانند وراث بین خود تقسیم کنند؟

فروش و تقسیم موقوفه جایز نیست؛ ولی نقل و انتقال حق کسب و پیشه بر روی زمین تابع مقررات اداره ی اوقاف و به مصلحت وقف باید صورت پذیرد.

ص: ۸۱

۴۲. وقف در اسلام دارای اهمیت قابل توجهی است؛ اما متأسفانه متصرفین موقوفات مال الاجاره واقعی موقوفات را پرداخت نمی کنند، آنچه در بازار به عنوان مال الاجاره می دهند بسیار کمتر از اجاره ی واقعی ملک است و تمام بحث بر سر این است که شرعاً تعیین مال الاجاره موقوفات به عهده چه کسی است؟

تعیین مال الاجاره موقوفات موکول به نظر متولی وقف و رعایت غبطه و مصلحت موقوفه می باشد.

۴۳ . شخصی املاک خود را وقف نموده تا درآمد آن ها در موارد خاصی از کارهای خیر مانند کمک به سادات و اقامه ی مجالس عزاداری مصرف شود و در حال حاضر با افزایش قیمت اجاره ی آن املاک، که جزء منافع وقف است، بعضی از مؤسسات یا اشخاص به دلیل عدم وجود امکانات در آن ها یا دلایل فرهنگی یا سیاسی یا اجتماعی یا دینی خواهان اجاره ی ملک موقوفه به قیمت ناچیز هستند،

آیا جایز است مدیریت اوقاف آن ها را به قیمتی کمتر از قیمت روز اجاره دهد؟

بر متولّی شرعی و مسئول اداره ی امور وقف واجب است در اجاره دادن به کسی که خواهان آن است و در تعیین مبلغ اجاره رعایت مصلحت و منفعت وقف را بنماید، درنتیجه ا گر در تخفیف مبلغ اجاره به سبب اوضاع و احوال خاص مستأجر یا اهمیت کاری که وقف برای آن اجاره

داده می شود، نفع و مصلحت وقف باشد اشکال ندارد والاّ جایز نیست.

۴۴. برخی از متصرفین موقوفات افرادی بی بضاعت و فقیر و عیالوار و بعضاً از خانواده ی محترم شهدا و ایثارگران هستند، آیا اجازه می فرمائید اداره ی اوقاف در این رابطه در غیر نظر واقف در مال الاجاره موقوفه تخفیفی قائل شود؟

تعیین مال الاجاره موقوفه باید با مراعات غبطه و مصلحت وقف و به نرخ عادله باشد و زیر نظر متولی شرعی موقوفه و در جهت وقف صرف شود.

۴۵. آیا مستأجرینی که به موقع اجاره بهای رقبه مورد اجاره خود را پرداخت نمی نمایند و موجبات عدم اجرای به موقع نظر واقف می شوند فرایض دینی آن ها در این رقبات اشکال شرعی دارد یا خیر؟

ا گر با عقد اجاره صحیح زیر نظر متولی شرعی موقوفه و صلاح وقف زمین در اختیار مستأجرین قرار گرفته و مدت اجاره باقی باشد، فرائض دینی آن ها در ملک مورد اجاره بلامانع است هرچند واجب است اجرت موقوفات را به موقع پرداخت نمایند.

۴۶. اینجانب چون وضعیت مالی زیادی نداشتم تا بتوانم زمین مسکونی خریداری نمایم به اداره ی اوقاف و امورخیریه مراجعه نمودم و یک قطعه زمین را به صورت اجاره تصرف و در آن احداث بنا نموده ام؛ ولی هرکس می رسد ما را دلسرد می کند و می گوید چون زمین موقوفه است شما در آن نماز ندارید، استدعا دارم ما را راهنمایی کنید وظیفه ی بنده در این قبال چیست و ما را از این فکر بیرون آورید.

ص: ۸۳

اگر طبق مقررات اداره ی اوقاف وا گذار شده و شما هم به قراردادتان عمل می کنید، تصرف در آن از جمله نماز مانعی ندارد.

۴۷. ا گر ملکی را وقف بر اشخاص سازند و موقوف علیهم ناچار به فروش موقوفه گردید، مانند آن که موقوفه مورد نیاز حتمی دولت جمهوری اسلامی ایران برای منافع کشور باشد و موقوف علیهم را ملزم به فروش موقوفه کنند، آیا موقوف علیهم باید با پول آن ملک دیگری را خریداری کرده، آن را عوض موقوفه وقف نمایند، یا لازم نیست و می توانند از آن استفاده کنند؟ و ا گر موقوف علیهم ملزم به فروش

نشود، ولی نتوانند از موقوفه به صورت موقت یا دائم استفاده کنند و از این بابت پولی دریافت نمایند،

آیا باید با آن پول ملک دیگری تهیه کرده، عوض موقوفه وقف سازند یا لازم نیست و می توانند از آن استفاده کنند؟ آیا در این حکم زمین و قنوات یکسان اند یا خیر؟

باید با آن پول ملک دیگری را خریداری و در همان جهت وقف اول وقف نمایند.

۴۸. مسجد امیرالمؤمنین(علیه السّلام) دارای فرشی است که بسیار مستعمل و تقریباً فرسوده است و برای

استفاده در مسجد مفید نیست، ولکن دارای ارزش ریالی بالا حدود بیش از دو میلیون تومان است، لطفاً بفرمایید:

با توجه به این که فرش وقفی است آیا فروش آن جایز است؟

ا گر قابل استفاده است فروش آن جایز نیست.

۴۹. قطعه زمینی حدود چهارصد مترمربع که سابقاً دارای چند درب اتاق مسکونی وقف مسجد بوده، ولی فعلاً خراب شده و این زمین به واسطه ی خراب شدن ساختمان و از بین رفتن اتاق ها معطل مانده که قابل درآمد نیست.

آیا اجازه می فرمایید نصف از این زمین فروخته شود و در نصف دیگر زمین که ساختمان قبلی بناء شده بود ساختمان جدیدی احداث شود یا نه؟

در فرض مذکور که زمین وقف و متعلق به مسجد است، فروش کل یا بعض آن جایز نیست.

۵۰. پدر بزرگ اینجانب قطعه زمینی را بر اولاد ذکور خود وقف نموده و علت آن ظاهراً این بوده است

که چون رژیم گذشته قصد داشتند زمین ها را تصرف کنند و ایشان روحانی محل بوده اند، زمین را وقف اولاد خود نموده اند، آیا امروز ما می توانیم زمین مزبور را بفروشیم یا در آن احداث بنا نماییم؟

ا گر زمین وقف است باید مطابق وقف عمل شود و احداث بناء در آن با نظر متولی شرعی و مراعات جهت وقف مانع ندارد؛ ولی فروش وقف جایز نیست، والله العالم.

۵۱ . روستایی دارای مقداری اراضی وقفی است که نظر به پرا کندگی، بازده آن اندک است؛ لذا متولیان

و متصدیان قصد تبدیل و تعویض و یکی نمودن این اراضی به منظور بازده بهتر را دارند؛ آیا اجازه می فرمایید؟

مورد ذکر شده مجوز تبدیل و تعویض موقوفه نمی باشد.

ص: ۸۵

۵۲ . ا گر کسی چیزی را از قبیل فرش، رادیو، ضبط، ساعت دیواری و پرده وقف مسجدی نماید، آیا می توان بدون اجازه و دخالت آن شخص مورد وقف شده را فروخت و صرف دیگر مخار ج مسجد کرد؟

وقف قابل خرید و فروش نیست.

۵۳. حسینیه قدیمی دارای مقداری وسایل پذیرایی از قبیل: بشقاب های مسی، کاسه ی آبخوری

برنجی، دیگ های مسی و لوازم دیگر است که هم ا کنون چند سال است مورد استفاده قرار نمی گیرد و

در معرض اتلاف است و تعمیر و نگهداری آن مقرون به صرفه نیست، ملزومات فوق الذکر به وسیله ی

افراد محلی وقف سیدالشهدا یا به صورت نذر در اختیار حسینیه قرار گرفته است، ا کنون ا گر اجازه بفرمایید یکجا به فروش رفته، وجه آن صرف خرید ملزومات جدیدی که همان مصارف را دارد بشود، ضمناً چون اینجانب به عنوان روحانی محل مسئول امورات شرعیه روستای مذکور نیز هستم درخواست اجازه می نمایم.

نمی توانند بفروشند و ا گر امکان استفاده از آن در همان حسینیه هست باید همان جا از آن استفاده کنند، بلی اگر امکان ندارد به حسینیه دیگر که امکان دارد ببرند و بنابر احتیاط سعی کنند به الاقرب فلاقرب ببرند.

۵۴. آیا اجناس مستهلک مسجد را می توان فروخت از درآمد حاصله آن در خرید اجناس مورد نیاز یا ساخت بنای مسجد هزینه کرد؟

ا گر در خود آن مسجد و مساجد دیگر به هیچ وجهی قابل استفاده نباشد، فروش آن مانع ندارد.

۵۵. این کتـاب خـانه دارای کتـاب هایی است که کاربرد نـدارد اعم از این که بسـیار فرسوده، دارای محتوای قـدیمی و بـدون متقاضـی است. محل تأمین کتاب های فوق وقف، هـدیه یا خریداری شده است. براساس دو فرض فوق، مبادله این کتاب ها با کتاب یا اهدا به مناطق محروم یا فروش به تشخیص مسئول کتاب خانه چه حکمی دارد؟

ا گر وقف بودن کتاب هـای مورد سؤال، محرز باشـد، در صورت عـدم امکـان اسـتفاده از آن ولو در کتـاب خـانه هـای دیگر تبـدیل به کتاب های دیگر با نظر متولی شـرعی مانعی نـدارد؛ ولی ا گر هـدیه یا خریـداری شده باشد و وقف برای کتاب خانه نشده باشد، فروش و تبدیل آن به کتاب های

دیگر مانعی ندارد.

۵۶. ا گر کسـی زمینی را برای ساخت دبیرستان دخترانه وقف نماید، آیا می توان در آن جا چیزی دیگری مثلاً خانه ی معلم یا مدرسه ی دیگر درست کند؟

ا گر زمین موقوفه را تحویل داده باشد باید بر طبق وقف عمل شود و نباید تغییر داده شود، والله العالم.

۵۷. یـک حسـینیه قـدیمی که هر ساله در آن تقریباً یک ماه روضه خوانی می شود، اخیراً از طرف بسـیج سـپاه می خواهنـد در حسـینیه پایگاه مقاومت بسازنـد که قهراً تصـرفاتی در آن می شود و تغییر شـکل می دهـد، حقیر متولی حسـینیه هسـتم، آیا این تصرفات جایز است یا خیر و تکلیف حقیر متولی چیست؟

تبدیل و تغییر وقف جایز نیست و متولی موقوفه باید مطابق نظر واقف و صلاح وقف عمل نماید.

۵۸. در مسیر مسجد جامع آب انبار متروکه و مخروبه ای که ظاهراً وقفی است (ولیکن واقف و وقف نامه آن مشخص و موجود نیست) وجود دارد، حال در نظر است برای باز شدن فضای مسجد آب انبار مذکور تخریب گردد، حضرتعالی بفرمایید هیئت امنای مسجد مجاز به تخریب آن هستند یا نه؟

تخریب جایز نیست، بلی با فرض این که قابل انتفاع نیست می توانند از آن در کارهای خیر استفاده کنند و از جمله در ارتباط با مسجد، والله العالم.

۵۹ . یک قطعه زمین چندین سال پیش برای حمام عمومی محل وقف گردیده، مدت چند سال حمام در آن مکان بوده و استفاده می شده، ا کنون دیگر در آن زمین حمامی وجود ندارد، انجمن و شورا و معتمدین محل تصمیم گرفتند آن را به همسایگان آن زمین بفروشند و بهای آن را برای

امورات خیریه (مسجد و پل) و سایر طرح های عمرانی محل استفاده نمایند، خواهشمند است ما

اهالی را در این خصوص راهنمایی فرمایید.

فروش آن بنابراحتیاط جایز نیست و ا گر امکان استفاده از آن در حمام نیست می توانند در امور عام المنفعه، از آن استفاده کنند، والله العالم.

۶۰. در مواردی که اراضی موقوفه در طرح جاده های عمومی و خیابان قرار می گیرد، پرداخت مال الاجاره موقوفه شرعاً به عهده چه کسی است؟ آیا مجری طرح که متصدی مسیر است مدیون به وقف است یا عابرین که درحقیقت بهره گیران از موارد تصرف وقف هستند؟

با علم به عدم پرداخت حق وقف و عدم رضایت متولی شرعی موقوفه، درصورت عبور از این مسیرهای وقفی نحوه برائت ذمه چگونه محاسبه می شود؟

کسی که تخریب موقوفه و غیرقابل استفاده شدن موقوفه و درنتیجه اتلاف موقوفه حکماً به او انتساب و استناد پیدا می کند، شرعاً ضامن است که یا موقوفه را در صورت امکان به حال سابق برگرداند و یا وجه اجاره آن را بپردازد و یا در صورتی که موقوفه را حکماً به صورت تالف درآورده باشد عوض آن را تسلیم نماید و چنانچه موقوفه با تبدیل به خیابان در حکم تالف باشد بر عابرین چیزی دراین باره نیست.

۶۱ . محلی فاقد هرگونه امکانات ورزشی برای جوانان است، شورای اسلامی محل، انبار زیر تکیه

(موقوفه) را به جوانانی که ا کثراً از اعضای بسیج هستند اجازه داده اند تا در اوقات فراغت برای آموزش ورزش های رزمی استفاده کنند، آیا خلاف شرع بوده یا خیر؟

شورای اسلامی چنین اختیاری ندارد و امر وقف با متولی شرعی آن است و باید با نظر او در جهت وقف از آن استفاده شود و تغییر داده نشود، والله العالم.

۶۲. اعضای پایگاه شهدای مسجد به منظور گردآوری بسیجیان و جوانان عزیز محل و حفظ آمادگی

فیزیکی لازم برای مقابله با تحرکات ضد انقلاب داخلی و تهاجم فرهنگی درصدد ایجاد کلاس های رزمی و آموزشی هستند و از حسینیه مجاور آن مسجد که در طول سال به جز ایام سوگواری ابا عبدالله

الحسین(علیه السّلام) تعطیل است، قصد استفاده دارند، استدعا می شود درخصوص نحوه ی استفاده از محل

مذکور اعلام فرمایید، آیا می توان بدون اذن متولی جهت این اهداف از محل استفاده نمود و در صورتی که ایشان از این اقدام بسیجیان ممانعت نماید، آیا استمرار کلاس ها شرعا جایز است یا خیر؟

ص: ۸۹

هرگونه استفاده و بهره برداری از وقف باید زیر نظر متولی شرعی آن و در جهت وقف باشد.

۶۳. موقوفه ای است دارای دو باب مغازه که متأسفانه مستأجرین اجاره ی قانونی را طبق نظر کارشناس پرداخت نمی نمایند و متولی شرعی هم رضایت ندارد، این در حالی است که یکی از مغازه ها نانوایی است، خواهشمند است فتوای شرعی جهت خرید نان از مغازه فوق الذکر و همچنین حکم کسب و کار مستأجرین را بفرمایید.

ا گر بدون اجاره از متولی شرعی یا اجازه او در مغازه تصرف می کنند، تصرفات شان جایز نیست و حکم غصب را دارد.

۶۴ . یک رقبه از موقوفه بدون گرفتن سرقفلی به اجاره داده شده، مستأجر بعد از پایان مدت اجاره فوت می نماید، آیا وارث مستأجر می تواند ملک مذکور را همچنان در اختیار خود داشته باشد و از آن بهره ببرد یا این که ملک مورد بحث بعد از پایان مدت اجاره باید به موقوفه برگردد؟

پس از انقضای مدت اجاره مورد اجاره را باید به متولی شرعی تحویل دهند و تصرف در آن بدون اجازه او و صلاح وقف حکم غصب دارد.

۶۵. املاک و مزارع ششدانگ موقوفه ای وجود دارد که کشاورزان به استناد داشتن سندهای اصلاحات

ارضی قبل از انقلاب تاکنون حاضر به پرداخت مال الاجاره شرعی به متولی و اوقاف نشده اند، برای متشرعین و مبلغین مذهبی این سؤال مطرح است که با علم به موقوفه بودن آب و ملک و احراز عدم پرداخت حقوق وقف، تکلیف شرعی آن ها در استفاده از ملزومات املاک و منازل مذکور چیست؟

تصرفات در املاک موقوفه موقوف بر اذن و اجازه ی متولی شرعی موقوفه است.

۶۶. آیا اشخاصی که بدون مجوز اداره ی اوقاف و متولیان موقوفات اراضی وقفی را در تصرف دارند و متولی و اداره ی اوقاف به تصرفات آن ها راضی نیستند، فرایض دینی آن ها که در این رقبات انجام می دهند از نظر شرعی اشکال دارد یا خیر؟

در صورت اطلاع و آ گاهی، اعمال شان باطل است.

۶۷. ا گر اداره ی اوقاف و متولی از موقوفه دفاع نکند و موقوفه را افراد خدانشناس تصرف کنند و در حال خار ج کردن از وقف باشند، وظیفه شورای اسلامی و اهالی محل نسبت به این موقوفه چیست؟

امر به معروف و نهی از منکر وظیفه عمومی مسلمین است.

۶۸. در مواردی که دستگاه های دولتی بدون اذن متولی شرعی موقوفات و بدون پرداخت حقوق وقف مبادرت به حفر چاه و ایجاد شبکه لوله گذاری در اراضی و املاک موقوفه می نمایند، آیا ضمانت شرعی پرداخت حقوق وقف متوجه مصرف کنندگان و مشترکین است یا دستگاه مجری طرح؟ با علم به عدم پرداخت حقوق وقف انجام وضو و غسل با چنین آبی به چه صورت است؟

مصرف کننده ضامن آبی است که مصرف کرده است و بدون نظر متولی شرعی وقف نمی تواند در آب تصرف کند و غسل و وضو اشکال پیدا می کند.

ص: ۹۱

**مسابقه**

## مسابقۀ بزرگ «قافلۀ بهشت»

خوانندۀ گرامی! لطفاً پیش از پاسخ به سؤالات مسابقۀ بزرگ قافلۀ بهشت به نکات زیر توجه فرمایید:

۱ . منبع سئوالات طرح شده از کتاب قافلۀ بهشت می باشد و طبق مطالب کتاب تصحیح خواهد شد.

۲.به برندگان مسابقه به قید قرعه جوایز ارزشمندی اعطا خواهد شد.

۳. شرکت برای عموم علاقه مندان بالای ۱۲ سال آزاد است.

۴. شمارۀ گزینه های صحیح را در قالب یک عدد ۱۴ رقمی از چپ به راست، به سامانۀ پیامکی ما به

شماره ۳۰۰۰۱۹۶۶ ارسال فرمایید.

۵ . مهلت ارسال پاسخنامه حدا کثر تا تاریخ ۱۳۹۷/۰۹/۲۴ می باشد و اسامی برگزیدگان در تاریخ ۲۵ / ۱۳۹۷/۰۹ در سایت معاونت فرهنگی و اجتماعی به نشانی www.mfso.ir و نیز سایت مجتمع فرهنگی آموزشی به نشانی www.mfpo.ir اعلام خواهد شد.

۶ . برندگان، دو هفته بعد از اعلام نتایج فرصت دارند مشخصات درخواستی را از طریق سامانه پیامکی

ارسال نمایند، در غیر این صورت از لیست برندگان کنار گذاشته خواهند شد.

ص: ۹۳

۱. آیه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ »گویای کدام آموزه دینی است؟

۱) دل کندن از تعلقات

۲) ماندگار بودن وقف

۳) هر دو مورد

۲ . فرایض دینی اشخاصی که بدون مجوز متولی موقوفات اراضی وقفی را در تصرف دارند و متولی به تصرفات آن ها راضی نیست، از نظر شرعی اشکال دارد یا خیر؟

۱) با واریز حقوق وقف ولو بدون رضایت و اجازه متولی، اعمالشان صحیح است.

۲) تصرفات آنها حرام ولی اعمال آنها صحیح است.

۳) در صورت اطلاع و آ گاهی، اعمال شان باطل است.

۳. حضرت علی(علیه السّلام) کوچک کدام کار را بزرگ و کمش را افزون می داند؟

۱) کار توأم با اخلاص

۲ ) عمل مداوم و مستمر

۳ ) کار خیر

۴ . تخفیف در مال الاجاره موقوفات به افراد بی بضاعت و فقیر و عیالوار و خانواده ی محترم شهدا و ایثارگران، در غیر نظر واقف چه حکمی دارد؟

۱) تعیین مال الاجاره موقوفه باید با مراعات غبطه و مصلحت وقف باشد.

۲) تعیین اجاره موقوفه باید به نرخ عادله باشد.

۳) هر دو مورد

ص: ۹۴

۵ . امیرالمؤمنین(علیه السّلام) استفاده از فرصت ها و مهلت ها را مصداق چه چیزی می دانند؟

۱) خردمندی

۲) معادباوری

۳) اخلاص

۶ . مراد از عبارت « الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها» چیست؟

۱) اداره وقف را باید به اهل آن سپرد.

۲) به هرطور وقف شده باید به همان طور عمل شود و تغییر جایز نیست.

۳) استفاده از وقف به حسب شرایط مختلف متفاوت می شود.

۷ . کدام آیه شتاب در کارهای نیک را از نشانه های خوبان و صالحان می داند؟

۱) سوره مائده آیه ۹۶

۲ ) سوره ذاریات آیه ۱۸

۳) سوره آل عمران آیه ۱۱۴

۸ . در صورت عدم تعیین متولی، تولیت موقوفه براساس قانون با چه کیست؟

۱) سازمان اوقاف و امور خیریه

۲) شخص واقف

۳) ارشد فرزندان ذکور واقف

۹ . کدام گزینه نادرست است؟

۱) کمیت نشانه برتری نیست.

۲) معیار سنجش در دستگاه الهی کمیت توأم با کیفیت است.

۳) کیفیت است که ارزش عمل را به اوج می رساند.

۱۰. این حدیث از کدام معصوم(علیهم السّلام) می باشد: «بهشتی ها چهار نشانه دارند؛ روی گشاده، زبان نرم، دل مهربان و دست دهنده و بخشنده»؟

۱) امام علی (علیه السّلام)

۲) امام باقر (علیه السّلام)

۳) امام صادق(علیه السّلام)

۱۱. تعریف خاص و زیبای پیامبر اعظم(صلّی الله علیه و آله وسلّم ) از زیرکی چیست؟

۱) یادآوردی بیش تر مرگ

۲ ) خدمت خالصانه به پدر و مادر

۳) عبادت در دل شب

۱۲. مراد از «تسویف» در روایات مطرح شده چیست؟

۱) تأخیر انداختن کارها

۲) استفاده نکردن از فرصت ها

۳) تجارتی که راه هرگونه ضرری رویش بسته است

۱۳. فروش فرش بسیار مستعمل و تقریباً فرسوده مسجد که برای استفاده در مسجد مفید نیست، چه حکمی دارد؟

۱) مطلقاً فروش آن جایز نیست.

۲) ا گر قابل استفاده است فروش آن جایز نیست.

۳) مطلقاً فروش آن جایز است.

۱۴. کدام گزینه درباره وقف ملک مشاع صحیح می باشد؟

۱) وقف به صورت مشاعی صحیح است.

۲) بهتر است در املاکی که امکان افراز وجود دارد، قبل از وقف نسبت به افراز اقدام شود.

۳) هر دو مورد

ص: ۹۶

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹